

# زنده باد اول ماه مروز جهانی کارگر

## کارگر امروز

نشریه انتربنیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol 7, NO 58, April 1996

سال هفتم، شماره ۵۸، اردیبهشت ۱۳۷۵

### تظاهرات ۲۰ هزار کارگر آلمان در اعتراض به طرح قطع بازنشستگی قبل از موعد

صفحه ۴



تظاهرات ۲۰ هزار کارگر آلمان در اعتراض به طرح قطع بازنشستگی قبل از موعد

### افزایش ۲۲ درصد حداقل دستمزد دعوت آشکار کارگران به مبارزه است

\* حداقل مزد ماهانه کارگران به ۲۲ هزار تومان رسید  
\* کرباسچی شهردار تهران: کسانی که دریافتی شان ماهانه زیر ۸۰ هزار تومان است زیر خط فقر زندگی می‌کنند

با تصمیم شورایعالی کار حداقل دستمزد همچنان سیر صعودی داشته است. کارگران از ابتدای سال ۷۵، ۷۵ درصد افزایش یافت و حداقل تهران اظهار داشت. همه کسانی که دریافتی شان زیر مبلغ ۸۰۰ هزار ریال در ماه است زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این افزایش اندک دستمزدها در حالیست

### آدمکشان صف کارگران متقارضی کار را بگلوله بستند

اضافه کند  
پلیس اعلام کرد که از انگیزه این جنایت خبری ندارد. چند ساعت بعد از این کشتن صدها نفر از کارگران مجدداً در جلوی کارخانه مزبور صفت بستند تا بلکه کاری بچنگ آورند. نزدیکی در میان کارگران سیاهپوشت بسیار بیش از کارگران سفید است. کل نزدیکی در آفریقای جنوبی بیش از ۳۳ درصد است.

روز ۲۹ ژانویه آزادی اندکش کارگرانی را نفری کارگران را به رگبار بستند. کارگران به دنبال آگهی کار توسط کارخانه آن اف دی کاستینگ که اعلام کرده بود بستند. در اثر این جنایت که در حاشیه برای کارهای صنعتی به ۲۰۰ کارگر احتیاج دارد در جلوی این کارخانه جمع شده بودند. کارگر در دم جان باختند و بیست و دو نفر زخمی شدند. یک باند مسلح با سلاحهای نیمه اتوماتیک AK47 و سلاحهای کمری به صف کارگران حمله

### زنده باد اول ماه



کارگر امروز - اول ماه مه ۹۶

### اعتصاب سه هفته ای کارگران جنرال موتورز

را دست کم گرفته بود و اعلام داشت که تولید در سایر بخشها بطور عادی جریان دارد، اما با ادامه اعتصاب، پیشنهاد مذاکره برای پایان اعتصاب را مطرح ساخت. بقیه در صفحه ۴

دایتون ۹۰ درصد قطعات ترمز اتومبیلها را تولید میکند و بسته شدن آن بلاعده بر پرسه تولید در سایر کارخانه ها تاثیر گذاشت. روز سه شنبه ۵ مارس کارگران کارخانه ترمز جنرال موتورز در شهر دایتون در اوایل اعتصابی نامحدود را آغاز کردند. از همان آغاز اعتصاب ۱۲ کارخانه از ۲۹ کارخانه این کمپانی بسته شد و مدیریت کمپانی ۴۰ هزار نفر از کارگران را مرخص کرد. با ادامه اعتصاب در کارخانه دایتون تعداد هرچه بیشتری از کارخانه های تولیدی جنرال موتورز با اختلال و توقف تولید مواجه شدند، زیرا

### تشکل مستقل کارگری: مقوله "جهان سومی"

صفحه ۷



## کمپین برای افزایش اسپانسورهای کارگر امروز

تعهد مالی سال ۹۵ خود را نپرداخته اند که امیدواریم آنرا پردازند. در سال گذشته بیشترین کمک مالی جمع آوری شده برای کارگر امروز از آمریکا و بیشترین افزایش اسپانسورها از کانادا بوده است.

در اینجا ضمن پادآوری به همه اسپانسورهای کارگر امروز برای پرداخت تعهدات سال ۹۶ خود، از همه آنها می خواهیم که در کمپین کارگر امروز برای افزایش اسپانسورها و جمع آوری کمک مالی که از اول ماه مه آغاز می شود، شرکت کنند. با تشرک از همه کسانی که به انتشار رایگان کارگر امروز کمک کردند

**کارگر امروز**

و همچنین جمع آوری کمک مالی گرفتیم توزیع مجانی کارگر امروز را قبل از رسیدن حد تنصیب اسپانسورهایش به ۴۰۰ آغاز کردیم. اکنون یک سال مالی ۴۰۰ اسپانسور (در آن زمان کارگر امروز حدود ۲۰۰ اسپانسور داشت) می توانست بخش مهمی از هزینه انتشار رایگانش را تامین کند و بقیه آن از طریق جمع آوری کمک مالی، درآمد اندک کارگر امروز از یک واحد انتفاعی و همچنین کمک مالی حزب کوئیست کارگری ایران شدن چهار برابر شده است تامین کند. بعلاوه یکسال پس از مجانی شدن نشریه متساقنه هنوز تعدادی از همکاران کارگر امروز که نشریه را گذاشتم تنها ۵۹ اسپانسور جدید گرفتیم. با این حال چون قولهایی برای ادامه کمپین افزایش اسپانسورها تعدادی از اسپانسورهای نشریه هنوز

## سو استفاده و بهره کشی از مهاجرانی که زبان انگلیسی و قوانین کار را نمی دانند

آشپزخانه با وجود دو تا تتوپ پیتاپزی که هر کلام ۶۵۰ درجه حرارت دارند و ۷ الی ۸ کارگر، نفس کشیدن سخت است. آشپزخانه دستگاه، تهیه هوا ندارد و حتی دریغ از یک پنکه. بعد از دو ساعت کار در داخل آن جهنم اگر کسی یکی از کارگران را ببیند و بنازد کجا است با حمام سونا اشتباه خواهد گرفت. آنها ناجارند کمترین دستمزد را تحمل کنند و اگر اعتراضی کنند فوراً کارفرما می گوید برو جای دیگری کار پیدا کن. چون آنها نه کسی را می شناسند و نه زبان بلند مجبور به کار کردن برای کارفرمای هم کشوری خود می شوند. قباد، وینی پک (کانادا)

اینکوئه افراد سود زیادی را به جیب می زند زیرا آنها نه زبان انگلیسی می دانند و نه از قوانین کار اینجا اطلاع دارند. در این رستوران (پیتاپی) کار روزنامه ۱۲ ساعت است و کار خیلی طاقت فرستاد. آنها ساعت استراحت و غذا تدارند و غیر از کار چیز دیگری نیست. و گاهای با پرخاشها و پرتفازهای خیلی بد و تووهایی که کشور آلمد باشند این سو استفاده شدید است. من در یک پیتاپی کار می کنم که کارفرمای سالها پیش از هندستان به کانادا مهاجرت کرده است. او اغلب از کسانیکه تازه به کانادا آمدند اند و توسط خانواده هایشان اسپانسور شده اند سو استفاده می کند. او با استخدام

## اتحادیه های کارگری مدافعان و رهبری گنبد طبقه کارگر نبوده و نیستند

حدائق به مهلکی ناسیونالیسم برای کارگران من از کسانی که خود را پیشتر طبقه کارگر دانسته، این قدر ساده اندیشه ای دیدن چند کارگر در حال اعتراض، اعتضاب و... سر از پا نشناخته با تیتر درشت و تعریف و تجیید از آن یاد کنند و ندا سر دهنده کمال اول میدانستیم و می گفتیم کطیعه کارگر اجاهه نخواهد داد که دولتهاي سرمایه داری هر کاری که دلشان خواست یا منافعشان ایجاب کرد با آنها بکنند! ولی واقعیت امر خیلی در دنیاکتر از این حرفا است. اعتضابات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان در فرانسه به رهبری اتحادیه های کارگری فرانسه، طوطنه مشترک دولت محافظه کار فرانسه با اتحادیه های کارگری و حزب کمونیست فرانسه چیزی بیش نبود که از آن طریق می خواستند مشروعيت کم رنگ شده یا از دست رفته اتحادیه های را به آن مجدد پرگردانند، کارگران و زحمتکشان فرانسه به اینکه حزب کمونیست فرانسه ابوریسیون واقعی دوست محافظه کار است را بار کنند. و از آن مهتر با شکست کشاندن اعتضابات و اعتراضات بر حق کارگران و زحمتکشان به آنها بگویند که دیگر دوران ظاهرات، اعتمادات و... گذشته و تنها سلاح آنها کارآئی اش را از دست داد. بهمن ۹۶/۳/۲۴

کارگر را نمایندگی می کند، اعلام کرد که خواستار دو ساعت کاهش ساعت کار در هفته است و...، بنایه فراخوان بزرگترین اتحادیه کشور آرژانتین صدها هزار کارگر این کشور روز پنج شنبه ۷ سپتامبر دست به اعتضاب نیمروزه زدند، این اعتضاب در اعتضاب به رقم بالای بیکاری در این کشور صورت گرفت. .... موج اعتضابات در استرالیا با دخالت کمیسون دولتی و پیروزی کارگران خاتمه یافت. شورای اتحادیه های کارگری استرالیا تهدید کرد که معادن ذغال سنگ این کشور را آورد... این اعتضاب با تصمیم مشترک پنج اتحادیه بزرگ و سراسری فرانسه و بیان تیجه می رسد که کارگران در تمام کشورهای صنعتی و اکثر کشورهای نیمه صنعتی در تشکلهایی بنام اتحادیه های کارگری مشتکنند. و پیغمبری این اتحادیه های از طریق اعتضابات محدود یا سراسری با دولتها یا کارفرمایها بخطاب حقوق و مزایای بیشتر. یا شرایط بهتر کار در اقتصاد اند و اغلب هم پیروز می شوند. دوستان عزیزاً امروزه کسی که الفای سیاسی را دانسته و صادقه رویدادهای قرن اخیر را دنیا کند، می داند که اتحادیه های کارگری دارند اند و اغلب هم پیروز می شوند. امروزه کسی که الفای سیاسی را دانسته و صادقه رویدادهای قرن اخیر را دنیا کند، می داند که اتحادیه های کارگری دفاع و رهبری گنبد طبقه کارگر نبوده و نیستند. بلکه سعی هستند بسیار کشنده اتحادیه کارگران فورد انگلستان که هزاران

## نامه به سر دیپ

نامه هایی که به قصد درج در این ستون ارسال می شود باید:

- ۱ - کوتاه باشد
- ۲ - تایپ شده یا کاملاً خوانا باشد
- ۳ - چنانچه مایل به درج نام خود نیست تصریح شود تا امضا محفوظ بماند کارگر امروز در انتخاب و تلخیص نامه ها آزاد است

## خودسوزی یک کارگر و فرزندش

سر دیپ کارگر امروز! غرض از نوشتن این نامه خبر زیر است: بعد از ظهر روز ۲۴ آذر یکی از کارگران در حالی که یک حلبی پر از بنزین در دست و پسر بجهه اش را چشمات حیرت زده مردم به خاکستر تبدیل می شوند. این خبر هولناک در شهر ارومیه نزدیک می شود. کارگر نامبره از وضع خانواده اش برای اجتماع شرح می دهد و گویا حلو دل است ارمنان حکومت الله برای مردم فقیر و بیکار. پیش بسوی حکومت کارگری ناصر اصغری - کانادا

از سیستم سرمایه داری و بلبختی در گرسنگی می کشیده اند. او پرسش را که رقم روی پا ایستادن نداشت را به زمین می گذارد و حلو نیم ساعت از سیستم سرمایه داری و بلبختی در

## قربانی کردن جوجه جنایتکاران

سر دیپ کارگر امروز! درست همان اتفاق امروز در یوگسلاوی تکرار می شود. جوجه جنایتکاران قربانی می شوند تا سیستمی گنبدیه و فاسد برای ملتی بیشتر به بقای جنگ چند ساله یوگسلاوی ترتیب داده داری که در جنگ دوم جهانی شده است و اینکه بعد از جنگ چند داده مدهد. به سیستم سرمایه داری که در جنگ دوم جهانی دوم دادگاه مشابه اش جنایتکاران فاشیست را به سزا اعمالشان رساند توان صحبت از صلح و آسایش و رفاه سخن می گویند. اینها فقط جوجه خودشان از خشم توده ها و کارگران بدور باشند. عاملین اصلی جنگ جهانی دوم که کشتارهای میلیونی کردند

اکبر (انگلستان)

## نشریات و سیده

\* نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، شماره های ۴۷۲ تا ۴۷۶ راه اینده، شماره های ۱۵ تا ۱۷ \* کوردستان، ارگان کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران، شماره های ۲۲۷ تا ۲۲۹

\* دیدگاه سوسیالیسم انقلابی، شماره ۳ \* گزارش کنگره دوم جنبش ملن بلوچستان - ایران

\* نبرد خلق، ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شماره های ۱۲۹ و ۱۳۰

\* جهان امروز، شماره ۱۵ \* کارگر سوسیالیست، نشریه اتحادیه سوسیالیست های انقلابی ایران شماره ۳۳

\* نشریه حقوق بشر، جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، شماره ۳۷

\* پیام زن، نشریه جمعیت انقلابی زنان افغانستان، شماره های ۳۹ تا ۴۲

\* نامه های وسیده: بهرام مدرسی - فرهاد نسیمی - خالد

## کمک های مالی:

- شیرین و غفار غلام وسی، ۳۰۰

- کرون برای ماههای فوریه، مارس و آوریل، مصطفی صابر ۲۵۰۰ کرون سوند.

پاسخ به نامه ها:

- رفیق گرامی محمد یگانه، علت قطع

- ارسال نشریه به آدرس خانه حزب در

- کاسل این بود که نشریات فرستاده شده

- به این آدرس برگشت خورد، لطفا در

- اولین فرست می کنند آدرس معتبر برای ما

- بفرستید تا ارسال نشریه از سر گرفته شود.

## ارتش برای جلوگیری از اعتراض کارگران به خیابانها گشیده شد

خواهان ۷۶ درصد افزایش دستمزد، در برایر شدن حداقل دستمزد و لغو سیاستهای غیر دموکراتیک علیه مردم است. ۱۲۰ هزار کارگر بخش عمومی اکنون دو سال است در انتظار افزایش ۲۰ درصد دستمزدی هستند که در سال ۱۹۹۴ در مورد آن توافق شد. در پاسخ به خواستهای کارگران نخست وزیر این کشور که از کنترل خود در آورد. و تعداد زیادی از کارگران را بازداشت کرد. علاوه بر این ارتض ماموریت یافت به مدت سه ماه از تمامی به ارتض متکی شده است. روزنامه السفیر نخست وزیر لبنان را فرماندار حکومت نظامی انتقام داد که تنها با حمایت ارتض میتواند نارضایتی کارگران را فرو شاند.

## تظاهرات ۲۰ هزار کارگر آلمان در اعتراض به طرح قطع بازنیستگی قبل از موعد

روز ۱۲ فوریه بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران در شهر بن، آلمان، در میدان مینیستر اجتماع کردند و نسبت به مباحث دولت مبنی بر تغییر سیستم بازنیستگی و کاهش بودجه آن اعتراض کردند. رهبر اتحادیه کارگران فلز، آ. گ. مثال، گفت این اتحادیه فقط به شرطی با تغییر سیستم بازنیستگی موافقت خواهد کرد که سیستم بهتری جانشین آن شود. او تأکید که "ما به بازنیستگی قبل از موعد نیاز داریم". وزیر کار آلمان همزمان با تظاهرات گفت که با بالا رفتن نرخ بیکاری در آلمان سیستم فعلی به آخر خط میرسد و باید کارگران با سیستم دیگری از حق بازنیستگی برخوردار شوند.

در این تظاهرات یکی از رهبران کارگران همچنین در مورد اضافه کاری به دولت پیشنهاد چرا که ما به آنها احتیاج داریم و آنها مثل نان شب برای ما لازمند. رهبر اتحادیه گفت این روز فاجعه برای کارکنان نیروی دریایی است که بیشتر پیشتو پیشتری اصلاً کاری نداشته باشند".\*

## ۳ هزار کارگر گشته سازی در انگلیس بیکار شدند

حدود ۳ هزار نفر از کارگران انگلیس روز دوم فوریه با تصمیم کمپانی هانسن مبنی بر بستن ۱۹۵ فروشگاه الکترونیکی خود در جنوب و مرکز انگلیس، و کمپانی جنرال الکترونیک مبنی بر کاهش نیروی کار خود در مرکز گشته سازی اسکاتلند از کار بیکار شدند. در "یارزو" که ۶۵۰ کارگر از میان ۲۹۰ کارگر بیکار شدند اتحادیه ها تأخیر وزارت دفاع در سفارش سه ناوچه برای نیروی دریایی را غلت آن. دانستند. رهبر اتحادیه میگوید اگر دولت این ناوچه ها را سفارش داده بود کمپانی میتوانست فوراً به کار خود ادامه دهد. او گفت ما به دولت فشار خواهیم آورد تا تولید این ناوچه ها را در دستور پیکار شدند چرا که ما به آنها احتیاج داریم و آنها مثل نان شب برای ما لازمند. رهبر اتحادیه گفت این روز فاجعه برای کارکنان نیروی دریایی است که بیشتر آنها زنان با دستمزد پایین هستند".\*

## اعتصاب سه هفته ای کارگران جنرال موتورز

را گند خواهد کرد. روز ۱۷ مارس نمایندگان جنرال موتورز و اتحادیه کارگران اتومبیل سازی برای پیمان اعتماد وارد مذاکره شدند. این مذاکرات به مدت ۱ روز ادامه یافت و روز ۲۲ مارس مذاکره کنندگان اعلام کردند که به توقعات اولیه ای دست یافته اند اما جزئیات آنرا آشکار ناختند. روز ۲۱ مارس کمپانی جنرال موتورز تعداد ۱۷۷۳۷۵ نفر از کارگران سایر کارخانه های خود را بدليل توقف تولید تا اطلاع ثانوی مرضی کرد. اعتصاب کارگران جنرال موتورز روزانه ۵ میلیون دلار برای جنرال موتورز هزینه داشت و با اینکه کارگرانی که مستقیماً درگیر اعتصابند از ۲ هزار نفر تجارت نیکند یکی از بزرگترین اعتصابات جنرال موتورز از سال ۱۹۷۰ و یکی از مهمترین اعتصابات کارگران آمریکا محسوب میشود.

## یک جنایت طبقاتی

محیط کار سالانه جان ۲۲۰ هزار کارگر را میگیرد

دولت لبنان علیه کارگران که برای افزایش دستمزد روز اول مارس را بعنوان روز تظاهرات و اعتصاب عمومی اعلام کرد بودند به ارتض دستور داد تا مانع برگزاری تظاهرات و اعتصاب کارگران شود. ارتض لبنان در این روز حکومت نظامی اعلام کرد، خیابانهای اصلی بیرون را بخت کنترل خود در آورد. و تعداد زیادی از کارگران را بازداشت کرد. علاوه بر این ارتض ماموریت یافت به مدت سه ماه از حفاظت ماموریت ویژه و آمریکا برخوردار است. تمامی به ارتض متکی شده است. روزنامه السفیر نخست وزیر لبنان را فرماندار حکومت نظامی انتقام داد که تنها با حمایت ارتض میتواند نارضایتی کارگران را فرو شاند.

بنایه گزارش سازمان جهانی کار سالانه

شادی ها را از هم منی پاشد، همانقدر

بر ۲۲۰ هزار نفر بر اثر سوانح و یا

بیماریهای ناشی از کار جان خود را

از دست میدهد.

"اگر از کسی پرسند که آن جنایات

اصلی که در تاریخ پسر من شود نام

برده کنام است روی این چیزها انجشت

می گذارد، دو جنگ جهانی، فاشیسم

هیتلری، کوره های آدم سوزی،

هیروشیما، جنگ ویتنام، جنگ ایران

و عراق وغیره. اینها جنایتها بزرگی

بوده است که همه میشناسند. هم

قریانیان این جنایت خیلی معلوم و

مشخص اند. این جنایت قریانیان

طبقاتی دارد. اینطور نیست که بنبی

روی محله ای افتاده و عده ای جانشان

را از دست داده اند. این جنگی است

نظر تعداد کمتر از این نمونه های

برجسته جنایت در تاریخ نیست. همانقدر

آدم روانه گورستان می کند، همانقدر

آدم روانه بیمارستان می کند، همانقدر

## بودیل

در جریان حمله ۱۰۰ پلیس به صف تظاهرات کارگران کشاورزی در آمازون، ۱۹ کارگر کشته شدند.

## فرانسه

خلبانان و مکانیک های عضو شش اتحادیه در ایر فرانس، پنج شنبه ۱۸ آوریل دست به یک اعتصاب ۴۸ ساعته زدند.

پرواز هوایی در جریان این اعتصاب کنسل شد.

## آلمان

رقم بیکاری در آلمان طی ماههای ژانویه - فوریه ۱۱۵۰۰ افزایش یافت. بدین ترتیب تعداد بیکاران آلمان به ۴/۲۷ میلیون رسید.

## سویلانگا

بیش از ۶۰۰ هزار کارگر، سه شنبه ۲۶ مارس برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب ۶ روزه زدند.

## دانمارک

بزرگترین اتحادیه کارگران دانمارک SID از طریق فدراسیون بین المللی شیمی، انرژی و معادن و اتحادیه کارگران غیر ماهر ICEM کتابی به رئیس جمهور برزیل بدیل اخراج ۵۹ فعال کارگری در صنعت نفت این کشور اعتراض کرد.

سازمان جهانی کار OIL این عمل دولت برزیل را مخالفت با حق اعتصاب و نزد پا گذاشت کنوانسیون شماره ۹۸ که برزیل هم آنرا برسیت شناخته، دانست.

## فرانسه

۸۰۰ کارگر بیندر در شهر بندی مارسی روز ۲۸ فوریه در اعتراض به تعرض به حقوق صنفی شان دست به اعتصاب زدند.

کارفرمایان بر اساس مقررات جدید حق تعویض کارگران دامن با کارگران نیمه وقت و یا موقع را دارند.

## فروز

۱۵۰۰ تن از کارگران ۲۱ هتل با خواست شرایط کار بهتر و افزایش پرداختی برای شیفت های غیر روز، چهارشنبه ۱۷ آوریل

دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که ابتدا با شرکت کارگران ۱۰ هتل ۷۰۰۰ کارگر آغاز شد، روز شنبه ۲۰ آوریل به ۲۱ هتل گشترش یافت. این اعتصاب با حمایت و پشتیبانی زیادی از سوی بخششی دیگر چنین کارگری مواجه شد.

## یونان

۲۰ هزار کارگر تلفن و مخابرات یونان، تله کام، روز ۱۹ فوریه یک اعتصاب چهار روزه را در اعتراض به فروش سهام

این شرکت به بخش خصوصی آغاز کردند. دولت در نظر دارد که در صورت موقوفیت

مناطق آزاد تولید قرار داده است، می باشد. مناطق آزاد تولید قرار دستور مقررات اشتغال

کرد که از سیاست استفاده از نیروی کار از زان در خارج خودداری کند و بعای خرید قطعات از خارج به گسترش تولیدات

باریس قرار است ۱۱ منطقه آزاد ایجاد شود.

## رومانی

کارگران متری بخارست، پایتخت رومانی، از روز ۴ مارس برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. دولت تهدید کرد که اگر

اعتصاب ادامه یابد همه اعتصابیون را اخراج خواهد کرد. دادگاه نیز اعتصاب کارگران را غیر قانونی اعلام کرد و مقامات اتحادیه

فراغخان پایان اعتصاب دادند. اما صدعاً از کارگران به اعتصاب خود خارج از چارچوب اتحادیه ادامه دادند. کارگران اعتصابی استگاهها و تونل ها با پیکت خود بستند و ترافیک شهر بخارست را فلک کردند.\*

## تظاهرات کارگران نفت بولیوی

کارگران نفت بولیوی علیه برنامه دولت

مبني بر واگذاری بخشهاي از صنایع

نفت به بخش خصوصی دست به تظاهرات

۳۰۰ کیلومتری زدند.

دولت بولیوی برنامه ای را در ماه مارس تحت عنوان پرسه کایپالیزه کردن معرفی کرد که براساس آن مهمترین بخش از صنایع

دیبرکل COB پس از شکست مذاکرات

یا دولت، هشدار داده بود که دولت باید

منتظر اعتراضات وسیعی در بهار امسال

بشود. در مذاکرات فوق دولت پیشنهاد

افزایش ۸ درصد دستمزد را داد. این

مبلغ کمتر از نرخ تورم در سال ۹۵ که به

۱۲ درصد رسید، بود.

دولت بولیوی تاکنون چهار بخش

دولتی مخابرات، راه آهن، برق و شرکت

هوایپیمایی این کشور را تساماً و یا بخشا

به بخش خصوصی واگذار کرده است.

تحت نام "مقدس" ایجاد اشتغال،

موسسه تولیدی در فرانسه از پرداخت

مالیات و هزینه خدمات اجتماعی معاف

می شوند. برنامه فوق توسط کمیسیون EU تائید شده و قرار است تا سال

۲۰۰۱ ادامه داشته باشد.

ایجاد مناطق آزاد در فرانسه

تحت نام "مقدس" ایجاد اشتغال،

موسسه تولیدی در فرانسه از پرداخت

مالیات و هزینه خدمات اجتماعی معاف

می شوند. برنامه فوق توسط کمیسیون EU تائید شده و قرار است تا سال

۲۰۰۱ ادامه داشته باشد.

یونان

۲۰ هزار کارگر تلفن و مخابرات یونان،

تلہ کام، روز ۱۹ فوریه یک اعتصاب

چهار روزه را در اعتراض به فروش سهام

این شرکت به بخش خصوصی آغاز کردند.

دولت در نظر دارد که در صورت موقوفیت

مناطق آزاد تولید قرار است مرکز اشتغال

## کارخانجات انگلستان به کارگران موقت روی می آورند

سرمایه گذاری نیاز دارد. در کارخانه "بندیکس آو می فیر" که سازنده شکلات‌های سطح بالا است و یک کمپانی آلمانی مالکیت آنرا دارد. دو سوم تقاضا در ماه کریسمس میرسد. با تغییر سیاست استخدام طی پنج سال گذشته، اکنون این کمپانی تنها ۱۰۰ کارگر تمام وقت در استخدام دارد که ۶۰ نفر از سال ۹۰ کمتر است. این کمپانی در عین حال حداقل ۱۰۰ کارگر با قرارداد کوتاه مدت نیز در استخدام دارد، رقمی که بلاقابل قبل از کریسمس به ۲۰۰ نفر میرسد. مدیر کمپانی می‌گوید این تغییر باعث شده است که تولیدات کارخانه از سال ۱۹۹۰ به بعد دو برابر شود.

یکی از بزرگترین استفاده کنندگان از کارگران کوتاه مدت در صنعت بریتانیا کارخانه "گزیراتکس"، سازنده دیسک درایو است و در شهری در ساحل جنوبی انگلستان قرار دارد. کمپانی ۲ هزار نفر را در استخدام دارد که بیش از نصف آنها دارای قراردادهایی بین دو ماه تا یک سال هستند. "گزیراتکس" تعداد کارگرانش را بسته به تقاضای مشتریانش که معمولاً سایر کمپانی‌های دیسک درایو هستند و عموماً ۴۸ ساعت وقت برای تحویل لازم دارند، تغییر می‌لهد. مدیر تولید کارخانه می‌گوید آگر میخواستیم تمام نیروی مورد نیازمان را بطور دائم در استخدام داشته باشیم قدرت رقابتمن را از دست میدادیم.

"بلک اند دکر" در شمال انگلستان یک هسته اصلی خود ۱۵۰۰ کارگر دارد که معمولاً با ۴۰۰ کارگر موقت تکمیل می‌شوند.

کارگری مطرح می‌شود. به خصوص در شرایطی که شکل سنتی تشکل کارگری، یعنی اتحادیه، به بن بست برخورده است. در این شرایط، قاعده‌تاً فعلین کارگری باید باید آلترناتیوی بروند که پرچم "استقلال" نیست، بلکه اعمال اراده مستقیم کارگران و تقویت گرایش کمونیستی است. آلترناتیوی که ظرف آزادی برای کشکش، مبارزه، و جدال، همه گرایشات است که در جامعه وجود دارند. گرایش کمونیستی، و هر گرایش دیگری که در شوراهای مسلط باشند، باید تضیین بکند که مانع حقوقی و ساختاری برای ورود و فعالیت گرایشات دیگر ایجاد نمی‌کنند.

به نظر من، فقط تشکل شورائی است که در دوره حاضر می‌تواند استقلال عمل طبقاتی طبقه کارگر را تضیین بکند. در دوره‌هایی که گرایش کمونیستی در تشکل یابی طبقه کارگر هژمونی داشته باشد، استقلال عمل طبقاتی طبقه کارگر از همیشه بیشتر است. به نظر من باید صورت مساله را با یک تقدیم اجتماعی و سیاسی غوض کرد و سپس به اتفاق حقوقی آن برگشت. آن وقت درست است که در شرایطی که مخاطب ما "جهان سومی" باش، بگوییم که استقلال از دولت و کارفرما باید جنبه کاملاً قانونی بپسا کند و هر کونه دخالت دولت و کارفرما در تشکل کارگری ممنوع باشد. این توهم را اما، تباید در درون طبقه کارگر دامن زد که این به تنها باعث استقلال تشکل کارگری می‌شود. در اروپا و آمریکا، دولت به لحاظ حقوقی در تشکل‌های کارگری دخالتی ندارد، ولی سیطره اینتلولوژیک و سیاسی و اقتصادی و ساختاری احزاب دولتی بر این تشکل‌ها باعث می‌شود که آنها، همه وابسته باشند و "مستقل" نباشند.

کارخانجات مختلف از شامپیو تا دوچرخه و از شکلات تا کامپیوچر به نحو فزاینده‌ای به استخدام کارگران موقت روی می‌آورند. این جزئی از سیاست آنها برای انجام کار منعطف است. تعداد کارگران موقت بنا به گزارش اداره آمار مرکزی در پنج سال گذشته، ۱۹۹۰ - ۱۹۹۵، بیش از ۳۵۰ هزار نفر یعنی ۳۰٪ درصد افزایش یافته است. این چرخش به طرف استخدام کارگران موقت عملتاً در بخش‌های تولیدی است تا دیگر بخشها.

من پاپر آغاز خدمات اشتغال و کاریابی که در مالکیت آمریکانیان است و متخصص استخدام کارگر برای کارخانجات صنعتی است می‌گوید ۹ هزار کارگر را برای کارهای کوتاه مدت استفاده کرده است تا در شرکت‌های طرف قرارداد آن کار کنند، رقمی که دو برابر اوخر دهه هشتاد است. کارگران موقت اغلب مزد کمتری دریافت می‌کنند و هزینه بازنشستگی تدارند و این باعث می‌شود هزینه کمتری برای کارخانجات داشته باشند. این کارگران فقط وقتی که سر کار هستند مزد دریافت می‌کنند.

در شرکت "دیزاین تو دیستربیوشن" سازنده کامپیوچر تعداد کل کارگران طی پنج سال از ۱۸۰ نفر به ۵۰ نفر از این مزد رسانیده است که در دهه ۸۰ بعد از این مزد تعداد کارگران موقت هستند. می‌گوید شرکت می‌گوید بخارطه استفاده از کارگران موقت ما میتوانیم به فاصله یک هفته تا سه ماه از دریافت طرح، تولید را انجام دهیم. در صورتیکه در سال ۱۹۹۰ همین پروسه پنج سال طول می‌کشد.

### تشکل مستقل کارگری: مقوله "جهان سومی"

در سوئد، نمونه‌ای از این مقوله در شرایطی که شکل سنتی تشکل کارگری، یعنی اتحادیه، به بن بست برخورده است. در این شرایط، قاعده‌تاً فعلین کارگری باید باید آلترناتیوی بروند که پرچم "استقلال" نیست، بلکه اعمال اراده مستقیم کارگران و تقویت گرایش کمونیستی است. آلترناتیوی که ظرف آزادی برای کشکش، مبارزه، و جدال، همه گرایشات است که در جامعه وجود دارند. گرایش کمونیستی، و هر گرایش دیگری که در شوراهای مسلط باشند، باید تضیین بکند که مانع حقوقی و ساختاری برای ورود و فعالیت گرایشات دیگر ایجاد نمی‌کنند.

به نظر من، فقط تشکل شورائی است که در دوره حاضر می‌تواند استقلال عمل طبقاتی طبقه کارگر را تضیین بکند. در دوره‌هایی که گرایش کمونیستی در تشکل یابی طبقه کارگر هژمونی داشته باشد، استقلال عمل طبقاتی طبقه کارگر از همیشه بیشتر است. به نظر من باید صورت مساله را با یک تقدیم اجتماعی و سیاسی غوض کرد و سپس به اتفاق حقوقی آن برگشت. آن وقت درست است که در شرایطی که مخاطب ما "جهان سومی" باش، بگوییم که استقلال از دولت و کارفرما باید جنبه کاملاً قانونی بپسا کند و هر کونه دخالت دولت و کارفرما در تشکل کارگری ممنوع باشد. این توهم را اما، تباید در درون طبقه کارگر دامن زد که این به تنها باعث استقلال تشکل کارگری می‌شود. در اروپا و آمریکا، دولت به لحاظ حقوقی در تشکل‌های کارگری دخالتی ندارد، ولی سیطره اینتلولوژیک و سیاسی و اقتصادی و ساختاری احزاب دولتی بر این تشکل‌ها باعث می‌شود که آنها، همه وابسته باشند و "مستقل" نباشند.

بقیه از صفحه ۷

سویسیال دمکرات‌ها هزینه کرد. در این مزد، به حدی تمنه و مثال زیاد است که به هیچ ترتیبی نمی‌توان اتحادیه و "حزب سویسیال دمکرات" را از هم جنازه کرد. درست است که احزاب، اتحادیه‌ها را رهبری می‌کنند. اما موقعیت هم هست که اتحادیه‌ای، هزینی را این طرف و آن طرف می‌کند. مساله این در هیچ کلام از این دورها، چه در ووهه‌هایی که اتحادیه‌ها با رفته‌های معینی می‌روند، و چه در دوره‌های اعضاً اتحادیه نسبت به حزب، در طی این شش سال گذشته، بود که سبب شد قانون عضویت اتوماتیک لغو شود.

با این همه، حتی کسانی که علیه این قانون در طی شش سال گذشته مبارزه کردند. تنها، کاهش تدریجی توهمند اعضاً اتحادیه نسبت به حزب، در طی این شش سال گذشته، بود که این کامن است که اتحادیه‌ای، هم در هیچ کلام از این دورها، چه در ووهه‌های معینی می‌روند، و چه در دوره‌های اعضاً اتحادیه نسبت به حزب، در طی این شش سال گذشته، بود که سبب شد قانون عضویت اتوماتیک باید لغو شود.

با این همه، حتی کسانی که علیه این قانون در طی شش سال گذشته مبارزه کردند. تنها، کاهش تدریجی توهمند اعضاً اتحادیه نسبت به حزب، در طی این شش سال گذشته، بود که این کامن است که اتحادیه‌ای، هم در هیچ کلام از این دورها، چه در ووهه‌های معینی می‌روند، و چه در دوره‌های اعضاً اتحادیه نسبت به حزب، در طی این شش سال گذشته، بود که سبب شد قانون عضویت اتوماتیک باید لغو شود.

سویسیال دمکرات‌ها هزینه کرد. در این مزد، به حدی تمنه و مثال زیاد است که به هیچ ترتیبی نمی‌توان اتحادیه و "حزب سویسیال دمکرات" را از هم جنازه کرد. درست است که احزاب، اتحادیه‌ها را رهبری می‌کنند. اما موقعیت هم هست که اتحادیه‌ای، هزینی را این طرف و آن طرف می‌کند. مساله این در هیچ کلام از این دورها، چه در ووهه‌های معینی می‌روند، و چه در دوره‌های اعضاً اتحادیه نسبت به حزب، در طی این شش سال گذشته، بود که سبب شد قانون عضویت اتوماتیک باید لغو شود.

## خودکشی

### در اثر ساعت طولانی کار

آقای هیروشی کاوتو و کیلی که موضوع مرگ ناشی از اضافه کاری را دنبال می‌کند گفت این حکم دادگاه تاریخی است و باید به عنوان هشداری به همه کپانیها تلقی شود. چرا که تعداد هرچه بیشتری از کارگران دست به خودکشی می‌زندند. طی ماه فوریه تا

نوامبر سال گذشته تعداد ۶۳ کارگر بر اثر فشار کار دست به خودکشی زدن. و این رقم در حال افزایش است. کار اوشیما را به جرم به خودکشی گشاند این کارگر محکوم کرد.

"دنسسو" بزرگترین آژانس تبلیغاتی تجاری ژاپن ناچار شد ۱۲۶ میلیون یورو معادل ۱/۲ میلیون دلار به خانواده اوشیما که بعد از ساعت فوق العاده طولانی کار خود را کشت بپردازد.

این اولین بار است که یک کمپانی ژاپنی مستول به خودکشی کشانند یک کارگر شاخته شده است. آیجیرو اوشیما "کارگر ۲۴ ساله کمپانی دنسسو" که بعنوان برنامه ریز رادیوی تجاری کار می‌کرد طی ۱۷ ماه آخر زندگیش علاوه بر روزهای عادی، آخر هفته ها است که دادگاه حکم به محکومیت یک کمپانی می‌دهد و شاید با این میکرد. او طی این ۱۷ ماه فقط نصف روز مخصوصی گرفت. طی هشت ماه قبل از مرگش در اوت ۱۹۹۱ این اوشیما از کله سحر تا ساعت دو نیمه شب کار کرده بود و به مدت ۴۹ روز کارش تا ساعت ۴ صبح روز بعد طول میکشید.

خانواده اش می‌گویند او بطور متوسط تنها دو تا چهار ساعت در شب می‌خوابید، او به شدت افسرده شده بود و همیشه افسوس میخورد که انسان بودن خود را فراموش کرده است.

شرکت دنسسو مستولیت در قبال مرگ اوشیما را انکار کرد و گفت او با سایر کارکنان محل کارش مستله داشت. اما دادگاه توکیو ادعاهای کمپانی را رد کرد و اعلام داشت شرکت مزبور با اینکه میدانست او ریزی اقتصادی می‌گردید در ژاپن ۲۱۲ ساعت در سال است. این رقم ۲۰۰ ساعت از متوسط انگلیس و ۴۰۰ تا ۵۰۰ ساعت از متوسط فرانسه و آلمان بیشتر است. کارگران ژاپن بطور متوسط ۱/۵ ساعت در روز بعنوان اضافه کاری، برای سرویس یا اضافه کاری ثبت نشده و بی مزد کار میکنند.

کارووشی یا خودکشی بر اثر اضافه کاری عملنا در مورد کارگران مستله داشت. آمدله که بیش از ۳۰۰ ساعت در سال کار میکرده اند.

آژانس برنامه ریزی اقتصادی می‌گردید در ژاپن از هر شش کارگر یک نفر یعنی جلوه ۱۷ درصد کارگران ۳۱۰ ساعت در سال کار میکنند. \*

### پلیس بولین در جستجوی کارگران غیرقانونی

این عملیات که در سایر مناطق آلمان نیز اجرا خواهد شد بدنبال یک مجتمع بزرگ ساختمانی نیمه تمام در مرکز شهر بطرور ناگهانی هجوم برداشت و به جستجوی کارگران صورت گرفت. شرکت‌های ساختمانی از این تصمیم ناخشنودند و مدیر یکی از آنها گفت دستمزدهای بالا در میان کارگران ساختمانی نیمه تمام که از هر شش کارگر یک رفته‌ای، همیشی دلیل سلامتیش به خطر افتاده است ساعت کارش را میکند. \*

روز ۱۴ فوریه پلیس بولین و مامورین اداره کار این شهر به یک مجتمع بزرگ ساختمانی نیمه تمام در مرکز شهر بطرور ناگهانی هجوم برداشت و به جستجوی کارگران غیرقانونی پرداختند. این عملیات که در آن بیش از ۱۰۰ پلیس، چندین خودرو پلیس و دهها مامور اداره کار شرکت ساختمانی آلمان قدرت رقابت شرکت‌های ساختمانی این کشور را بایین آوردند. مسؤول همانگی عملیات گفت کارگران خارجی همیشی هزینه کمتری دارند باید این دستمزدی پایین تر از دستمزد کارگران آلمان به کار میگردند.

قسمت دوم و پایانی  
مطلوب "میزگرد مسائل  
گرهی در جنبش  
کارگری" در شماره  
آنده درج خواهد

اول ماه مه:

## نمایش "قدرت عظیم اتحاد کارگران"

بیژن هدایت

اتحادیه به همراه کارگران نجاریها اعلام اعتضاب می‌کنند. اینجا، هر نوع تظاهراتی در روز اول ماه مه منع است. والی اسپانیولی جزیره، فقط اجازه داده است که بین ساعت ۵ تا ۸ بعدازظهر جلسه‌ای در یکی از تالارهای شهر برگزار شود. با رسیدن خبر دستگیری "لوئی میشل"، زن اقلابی فرانسوی که شب قبیل در پاریس دستگیر شده است، کارگران به خیابان می‌زیند و به سوی تالار برگزاری جلسه روان می‌شووند. سخنرانان جلسه اعلام می‌کنند که اجتماع پر شور کارگران به خاطر اعتراض به انحلال اتحادیه کارگران سیگارسازی نیست، بلکه برای ابراز همبستگی با کارگرانی است که در سراسر اروپا و آمریکا روز اول ماه مه را جشن می‌گیرند و کارگرانی که دولتهای استبدادی از برگزاری جشن آنها ممانعت به عمل می‌آورند.

نخستین تظاهرات بین‌المللی اول ماه مه، "قدرت عظیم اتحاد کارگران" را در مقابل چشان هر استانک سرمایه به نمایش گذاشت. و بیش از آن، به کارگران سراسر جهان، به زن و مرد، به سرخ و زرد و سیاه و سفید، نشان داد که مستقل از جنسیت، ملت و منصب، متعلق به یک طبقه جهانی اند و پای در یک سرنشیت دارند. طبقاتی جهانی و همسرزنشیت، که قدرت عظیم آن در همبستگی و اتحاد آن نهفته است.

پس از گذشت صد و ده سال از تظاهرات کارگران شیکاگو، دنیای سرمایه‌داری بی‌شک دستخوش تحولات بسیاری شده است. اما، ماهیت آن کمترین تغییری نکرده است. این نظام نسبتی، علی‌رغم توسعه فناوریه تکنولوژی و اختراقات نوین و علی‌رغم وجود اقیانوسی از ثروت و نعمت، همچنان برای بقای خود نیازمند فقر و فلاکت باز هم بیشتر کارگران، و تشید استثمار و تحییل شدت کار و بیکاری و بی‌حقوقی افزونتر بر آنان است.

پس از گذشت صد و شش سال از اولین نمایش بین‌المللی اول ماه مه، نبرد طبقاتی کارگران علیه سرمایه همچنان ادامه دارد. و برخلاف روزهای تشورسین‌ها و مدافعان سینمچاک سرمایه‌داری که "پیروزی ابدی سرمایه" و پایان تاریخ را جار می‌زنند، این نبرد طبقاتی بیش از پیش گسترش می‌یابد و به رویارویی آشکارتر و خصمانتر کارگران سراسر جهان با سرمایه کشیده می‌شود.

در این نبرد بی‌وقفه، اول ماه مه، نمایش "قدرت عظیم اتحاد کارگران" است. اتحادی، که طین شفاف‌گیز و رسای "فویر انگل" آن را اعلام کرده بود. اول ماه مه، پرچم مبارزه‌ای جهانی است. مبارزه‌ای متحده و همبسته، که کارگران را به بربانی دنیا بهتر فراخوان می‌دهد. دنیانی که با در هم کوبیدن نظام سرمایه‌داری پا می‌گیرد و بر ویرانهای آن، نظام نوینی را بر پایه آزادی و برایری بنا می‌نهد. نظامی، که بر سر در آن نوشته شده است: "رشد آزادانه هر فرد، شرط رشد آزادانه همگان است".

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگران



## نخستین تظاهرات بین‌المللی

اول ماه مه

نخستین تظاهرات بین‌المللی اول ماه مه، با شوق و شکوهی به یاد کشورهای جهان برگزار می‌شود. در آلمان، در آستانه برگزاری تظاهرات اول ماه مه، روزنامه "مناکرات" از بن‌گزارش می‌دهد که کارفرمایان با جیب فراوان از در مخالفت با این تظاهرات درآمده و اعلام کردند که: "کارگرانی را که در روز اول ماه مه

غیبت کنند، دیگر نخواهند ینیرفت". کمک خواسته شده است. صبح روز اول ماه مه به نظر نمی‌رسید که اتفاقی بیافتد. فقط چند پرچم سرخ با شعار "اول ماه مه، هشت ساعت کار" پایین کشیده می‌شود.

پس از مدتی اما، جمعیت به خشم می‌آید. هیات نمایندگی کارگران مرکب از برخی اعضای پارلمان، رهبران جنبش سنتیکاتی، و احزاب چپ، در تزیین میدان کونکورد دستگیر می‌شوند. نمایندگان پارلمان با اراده کارت نمایندگی خود، راه را ادامه می‌دهند.

ولی از پیش روی جمعیت، با سدنظامیان جلوگیری می‌شود. هیات نمایندگی، عرضه را به رئیس مجلس می‌دهد و به صحبت درباره مقاد آن می‌پردازد. همچنان، پلیس به جمعیت حمله می‌پردازد. این شهروندان از پیش روزهای و نمایش آرام اول ماه مه پاریس را به زد و خورد خشن می‌سازد.

در ایتالیا، کارگران رم، شهر را پیکارچه تعطیل می‌کنند و توطئه حکومت نظامی را به سخره می‌گیرند. در شهر لیورنو، بین مردم و ژاندارمری، زد و خوردی رخ می‌دهد. در فلورانس، علی‌رغم حضور نیروی پلیس، تظاهرات با آرامش صورت می‌کند. در وین، روز اول ماه مه، اشغال نظامی گسترده و با شکوهی برگزار می‌شود.

در اتریش، جنبش انتخابی عمومیت می‌یابد. در پارهای از نقاط به نظر می‌رسد که انتخاب کارگران تا روزها پس از اول ماه مه هم ادامه پیدا می‌کند. در وین، روز اول ماه مه، تظاهرات گسترده و با شکوهی برگزار می‌شود، که تعطیل شرکت کنندگان آن به مرز ۱۵ هزار نفر می‌رسد. در شهر بوداپست، تظاهرات منع اعلام می‌شود و با این همه، سی هزار تن از کارگران گرد هم می‌آیند.

در انگلستان، "کمیته جشن اول ماه مه" تصمیم می‌گیرد که جشن اول ماه مه را نه در روز پنجشنبه، که سه روز دیرتر، یعنی در روز یکشنبه چهارم می‌گذران کند. تعطیل از کارگران احسان می‌کنند که "کمیته" به قطعنامه کنگره بین‌الملل در پاریس خیانت کرده است. "شورای فدراسیون سازمان‌های کارگری"، کارگران را به تظاهرات در روز اول ماه مه فرا می‌خواند. در این روز، دو هزار کارگر تظاهرات می‌کنند.

با ۲۰ هزار نفر برگزار می‌شود که سخنران آن "ساموتل گومبیه رز"، رهبر فدراسیون کار آمریکا، است. در کوبا، علی‌رغم انحلال اتحادیه کارگران سیگارسازی، کارگران این

نفر حضور بهم می‌رسانند. در پاریس، به هنگام طلوع آفتاب روز کنگره بین‌الملل در پاریس بسته می‌شود. در سال ۱۸۸۶، چهارم تعدادی از رهبران تظاهرات کارگران شیکاگو گرفته می‌شود. و در ۱۸۸۹، طبیعه

قدرت عظیم اتحاد کارگران شیکاگو در خود پیش می‌گیرد. اینکه صنایع بود، چون هراس هولناکی بر جان سرمایه هجوم می‌آورد. اول ماه مه، سرمایه همکاری جهانی در آنجا عرضه حاوی درخواست کاهاش می‌زد که صنایع "خفة شنی" کارگران جهان شود.

اول ماه مه غیرممکن است.

بین

دست

ب

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مستقل نیست. مقصودم حتی در دوره های است که سویاال دمکراتها بزر سر کار نباشند. در دوره گشته، این واقعیت را به چشم دیدیم. اتحادیه های عضو LO، به عنوان اتحادیه های مستقل از دولت، عمل زیادی نمی کنند و نگردند. همه به یاد داریم وقتی که مساله اعتراض سیاسی مطرح شد، رهبری اتحادیه جواب داد که: "ما علیه دولتی که منتخب مردم است، اعتراض سیاسی به راه نمی اندازیم. اعتراض سیاسی، اقتصادی علیه دولت های دیکاتوری است.

این واقعیت نشان می‌دهد که اتحادیه کارگری در این کشور معین، نه تنها به حزبی که ۵۰ سال دولت را در اختیار داشته، بلکه حتی به هر دولت دیگری هم، به عنوان یک نهاد سرمایه داری، شدیداً وابسته است. ملتی پیش کننگه "اتحادیه مثال" سوئد برگزار شد. آخر چه چیزی از یک اتحادیه مستقل در این کننگه وجود داشت. "مونا سالین"، وزیر کار سابق و یکی از وزاری وقت دولت سوسیال دمکرات، سخنران کننگه بود. وی در کننگه اعلام کرد که: "ما نه تنها بیمه بیکاری را از ۸۰ درصد به ۹۰ درصد (آفرین حقوق) بر نمی‌گردانیم، بلکه به ۷۵ درصد می‌رسانیم. این، سیاست‌های یک دولت بورژوازی است که در کننگه یک اتحادیه کارگری تبلغ می‌شد.

علم استقلال اتحادیه های کارگری از "حزب سوسیال دمکرات" بسیار روشن است. اما کسی نام این را، عدم استقلال نمی گذارد. آنهاشی هم که در آن کنگره اعتراض کردند، به این سیاست اعتراض کردند. نگفته شد که تو چه کارهای و اصلاحات چرا به این کنگره آمدند ای؟ به این خاطر که، به نظر من، در دنیای واقع این وابستگی مفروض است. طبقه کارگر، جنبش کارگری، و تشکل های کارگری، خارج از جامعه و مناسبات و گرایشات اجتماعی و احزاب سیاسی نمی توانند فعالیت یابند.

در انگلستان، البته مساله قلیری فرق می‌کند. در اینجا، Tuc، که در واقع "حزب کارگر" را به وجود آورده است، اکنون با این حزب فاصله‌ای دارد. اما علی‌رغم این، در اینجا هم، Tuc عملیات سیاست‌ها دنباله رو "حزب کارگر" است و در انتخابات به آن رای می‌دهد. بدگزیریم از این که در انگلستان، حتی احزاب به اصطلاح چپ کارگری هم در سیاست به "حزب کارگر" اتکا می‌کنند و در انتخابات به آن رای می‌دهند. کل این تشکیلات کارگری، جز یکی دو اتحادیه آن، در دعوای اخیری که بر سر حذف بند چهار مبنی پیر مالکیت دولتی در گرفته بود، به "حزب کارگر" رای دادند.

علم استقلال اتحادیه‌های کارگری اروپا از احزاب سوسیال دمکرات و حزب کارگر انگلستان، به خصوص در طی ۳۰ سال گذشته بسیار روشن‌تر شده است. و این درست همان ۳۰ سالی است که بورژوازی به بحران برخورده است. در همین دوران بحراقی است که اتحادیه‌ها بیشتر سیاست‌های بورژوازی را دنبال کرده‌اند. اتحادیه‌ها به نفس ماهیت نظام سرمایه داری کاری ندارند. وظیفه شان این است که در دوره‌های رونق، مقداری امتیاز بگیرند و در دوره‌های بحرانی به کمک بورژوازی بشتابند و همان امتیازات را پس

بلهند،  
در انتخابات قبلی سوئد، LO در حلواد  
۱۸ میلیون کرون بود جه برای پیروزی  
نقیه در صفحه ۵

دیگری موجود بود. و در ظرف بیست سال گذشته هم، به طور مثال، اتحادیه های کارگری در اروپای غربی تغییراتی کردند، که در طی آن مقوله و استگی و علم و استگی آنها نیز دچار تغییرات و تحولاتی شده است. بنابراین، بررسی عینی و اپرکتویو این است که اعلام کند تشكلهای کارگری حاصل تاریخ معین ۲۰۰ سال گذشته هستند که امروز اساساً در شکل اتحادیهای کارگری غلبه دارند و در مقاطعه معینی از حیات جنبش کارگری نیز به شکل جنش شوراًتی معنی داشتند. و تاریخ جنش کارگری، تقابل این دو شکل را مستقل" را با خود دارند و "مستقل" بودنشان فرض است؛ تا آنجا که به توده طبقه کارگر در " محل کار مربوط می‌شود، تا آنجا که به تشکل محل کار بر می‌گردد، به هیچ وجه "مستقل" نیستند. یعنی اگر شما در محل کار تلاش بسیاری هم که بکنید، و مصوبه و برنامه رادیکالی را به امضای ۹۹ درصد و ۱۰۰ درصد اعضا هم که برسانید، یک قسم بعدش آن مصوبه و برنامه رادیکال می‌تواند لغو بشود. این واقعیت دیگری است که استقلال عمل طبقاتی تشکل کارگری را محدود و مشروط و در مواردی نقض می‌کند.

خود اتحادیه‌های کارگری در اروپا و آمریکای شمالی، که به اصطلاح "مستقل" بودنشان فرض گرفته می‌شود، جنین ادعائی ندازند. به نظر می‌رسد که مقوله استقلال تشكل کارگری، کلاه یک مقوله "جهان سومی" است. مقوله‌ای در رابطه با دولتهای ناپایدار، دولت‌هایی که تازه شروع می‌کنند به مقابله با طبقه کارگر. این مقولات، در واقع، طرح این دولتها و یا اپوریسیون آنها، که در انتظار دولت شدن به سر می‌برند، برای مهار طبقه کارگر و مقابله با آن است.

در حالی که در سازمانیابی شورایی طبقه کارگر، که در آن هژمونی با جریان کمونیستی کارگری باشد، بیشترین تضمین برای استقلال عمل طبقاتی طبقه کارگر موجود خواهد بود. اتحاد و قدرت طبقه کارگر، را در نظر بگیرید. به طور اثبات نشده‌ای گویا استقلال تشکل کارگری به معنی اتحاد و قدرت طبقه کارگر است. و اگر تشکل کارگری به جایانی واپسی داردای اتحاد و قدرت نیست. می‌شود دقیقاً روشن کرد که این مسائل در چه شرایطی به کار بزده می‌شوند و چه اهدافی دارند و چرا درست عکس قضیه هستند.

اتحادیهای موجود در اروپای غربی و آمریکا، شمال، مقابله با آن است. کارگر، می‌شوند، برای مهار طبقه شلن به سر می‌برند، برای این دو

کارگر و مددگار بیان است. آقای پیژن حکمت نسخه اتحادیه‌های سوسیال دمکراتیک را برای ایران پیشنهاد می‌کند. و لیبرالها، و حتی سلطنت طلبها، آلترباتیویهای دیگری دارند. در هر صورت، این مقوله بیشتر یک مقوله "جهان سومی" است. مقوله‌ای در مورد کشورهایی که تشکل کارگری در آن‌ها شکل نگرفته است. یا این که مانند نمونه کره جنوبی، دیکتاتوری اجازه نداده است که گرایشات مختلف اجتماعی، شکل‌های متفاوت تشکل کارگری را شکل و قواه بهند. و گرنه، در کشورهایی که تشکل کارگری از صد سال و دویست سال پیش وجود داشته است، چنین بعثی مطرح نیست. هیچ اتحادیه کارگری معتبری در دنیا، ادعای "استقلال" نمی‌کند. هستند و یا به هر حال نیروهایی که استقلال تشکل‌های کارگری را مطرح می‌کنند، هنوز "استقلال" آنها را نیز علامت سوال نبرده اند، به هیچ عنوان متعدد کننده طبقه کارگر نیستند. این تشکل‌ها، به این خاطر که واپسی به یک گرایش معین بورژوازی هستند، تشکل تفرقه طبقه کارگرند. برای نمونه روشن است که در این تشکل‌ها، ییکاران جزء متخاذ شده طبقه کارگر نیستند. یا این که بخش‌های مختلفی که در اتحادیه‌ای مختلف متشکل شده‌اند، منافع یکسانی ندارند. ورد زیان رهبران اتحادیه‌های کارگری، دفاع از منافع اعضای اتحادیه "من" است، نه دفاع از آحاد کارگر یا کل طبقه کارگر. موادی هم هست که اتحادیه نک

کشوار با اتحادیه کشور دیگر، منافع متضادی پیدا می‌کنند. بنا براین قدرت و اتحاد طبقه کارگر، هیچ ربطی به استقلالی که چنین جریاناتی مطرح می‌کنند، ندارد.

بحث استقلال، یک بحث مجرد و عمومی نیست که بشود در هر جا و هر زمان مطرح کرد. و این استنتاج منطقی یا صوری را از آن گرفت که استقلال خوب است و وابستگی بد است. به طور کلی، بحث تشكل‌های کارگری، بعشری است که تاریخ خودش را دارد. این تاریخ، مستقل از این که ما بخواهیم یا نخواهیم، یک تاریخ جهانی است. و باز هم، مستقل از این که ما چه تصویری داشته باشیم، شکلی به تشكل کارگری داده است. این شکل، فی الحال موجود است. ده سال پیش، در به اصطلاح جهان دو قطبی، شکل

تشکل مستقل کارگری: مقوله "جهان سومی"

فاتح شيخ الاسلام

متن سخنرانی فاتح شیخ الاسلامی در سمینار کارگر امروز درباره "تشکلهای مستقل کارگری" در سوند. این سمینار در اوت سال ۹۵ در سوند و کانادا برگزار شد.

آن بوده است. بعد از آن هم، بیشترین استفاده‌هاش علیه کمونیسم به طور کلی و احزاب کمونیست در هر موقعیت معین است. اگر این مساله، دوره به دوره و کشور به کشور تعقیب و بررسی شود، انسان می‌بینید که در هر مورد مشخص ناشی از یک منفعت و توازن قوای معینی است. به فرض، وجود "اتحادیه همبستگی لهستان" به این معنی است که یک گروایش بورژوازی که طبقه کارگر را متشکل می‌کند، در تقابل با دولتی که آن هم طبقه کارگر را متشکل کرده و زیر نفوذ خود درآورده است، تابلوی "استقلال" تشکل کارگری را بالا می‌برد تا کارگران را به سمت خود بکشاند. مثل این است که، به فرض، جریائی در سوئنده ظهور کننو اعلام نماید که LO وایسته به "حزب سوسیال دمکرات" است و اصلاً مستقل که نیست هیچ، وابسته به کل دستگاه سرمایه‌داری در سوئنده است. و در مقابل آن، ما می‌خواهیم که یک تشکل مستقل ایجاد کنیم. طبعاً چنین چیزی هنوز اتفاق نیافتداده است، ولی می‌تواند اتفاق بیفتد. و نقطه اتکایش می‌تواند به دھنا کتابی باشد که نشان می‌دهند LO مستقل نیست. من بعداً به این مساله اشاره می‌کنم.

بحث استقلال تشکل کارگری، موضوع بحث این سمینار است. به نظر من، این بحث به عنوان یک اصل تا آنچنانی که از جانب بورژوازی مطرح می‌شود، یک تابلوی کاذب است. یک دروغ است که در پشت آن مقاصد معینی نهفته است. تا آنچنانی هم که از طرف کارگر طرح می‌گردد، در بهترین حالت یک توهمند است.

عن می‌خواهم این مساله را روشن کنم که در سایه تجربه اتحادیه‌های کارگری در اروپا، اشاره من به ویژه به تجربه اتحادیه‌های کارگری در سوئنده و انگلستان است، این "استقلال" به عنوان یک تاکتیک، و نه به عنوان یک اصل مطرح می‌گردد. و همان طور که گفتم، مقاصد دیگری جز مساله "استقلال" پشت آن نهفته است. در خاتمه بحث نیز اشاره‌ای غواهم داشت که تضمین عملی استقلال عمل طبقاتی تشکل کارگری چیست. گفتم که مساله استقلال تشکل کارگری یک تابلوی کاذب است. اگر در یک سطح عمومی تر و تاریخی تر به این مساله نگاهی بیاندازیم، متوجه می‌شویم که هیچ تشکل مستقلی، از تشکل محل کار گرفته تا تشکل بین‌المللی کارگری نظیر "کنفرانسیون اتحادیه‌های زاد جهان" یا فدراسیون‌های بین‌المللی

تیکری که در مقاطع مختلف از جانب جیرانات بین‌المللی چون "کینترن" یا آنترناسیونال دوم مطرح شده‌اند، در عالم واقع وجود ندارد.

به همین کنفراسیون اتحادیهای آزاد جهان نگاه کنید که بزرگترین تشکل کارگری، به لحاظ تعداد کارگران عضو این تشکل، "استیگ مالم"، دیگر کل تبلي اتحادي سراسری مزبکیران سوئد، LCC بود. در واقع این تابلوی "آزاد"، تابلوی است که برای جمع کردن اتحادیهای کارگری در اروپا و آمریکا و کشورهای وابسته به غرب، در مقابل اتحادیهای کارگری بلوک شرق به کار گرفته می‌شد. این، یک تابلوی دوران جنگ سرد است. و اتحادیهای که پیر این تابلو جمع شده‌اند، هیچ یک آزاد نیستند. این اتحادیهای در مقابل شورهای اروپایی شرقی، که اتحادیهای نهادهای اسلامی باشند، به دولت وابسته هستند، مسالله آزاد"؛ ا به عنوان یک آلت ناتای

می شود به این نوع استقلال تشکل کارگری رای داد و به خاطر منافع معینی که برای امر استقلال عمل طبقاتی طبقه کارگر در بر دارد، از آن حمایت کرد.

در عین حال باید در نظر داشت که استقلال کلمه‌ای است که در خود بار مثبت اثبات نشلهای دارد. گویا، استقلال همیشه یک چیز مثبت است. اگر معنی استقلال این باشد که طبقه کارگر باید سیاست مستقل طبقاتی خود را دنبال کند، آن وقت آلتربناتیو استقلال طبقاتی طبقه کارگر این بحثها نیست. به نظر من، اتفاقاً آتجانی که تشکل کارگری به یک جریان کمونیستی کارگری وابسته است، استقلال عمل طبقاتی اش از همیشه بیشتر است.

من بعد اشاره خواهم کرد که حتی در اتحادیه‌ها و تشکاهای که تابله، استقلال، در واقع بیشترین استفاده

# کارگر امروز

## به یاد اقبال مسیح



یک سال پیش، در شانزدهم آوریل، قلب کوچک اقبال مسیح، از فعالین شناخته شده و رادیکال جنبش کارگری در پاکستان، از کار افتاد.

اقبال به علت فقر شدید خانواده، در حالی که بیشتر از چهار سال نداشت، برای کار بردگی در یک کارگاه قالی بافی به فروش می‌رسد. و از آن پس، مانند ۶ میلیون کودک دیگر زیر ۱۴ سال پاکستانی، به کار سخت و بوده وار مجبور می‌شود. در سن ۵۰ سالگی، پس از شش سال کار بردگی و تحمل رفتارهای خشن و حشیانه کارفرمایان، به همراه تعدادی از دوستان خردسال خود از کارگاه قالی بافی می‌گریزد و به "جهه رهاتیخواش کار بردگی کودکان" می‌پیوندد. و به سرعت به یکی از فعالین مصمم و رادیکال مبارزه علیه بردگی کودکان تبدیل می‌شود.

فعالیت پیگیر و پر شور اقبال سبب می‌گردد که دهها کارگاه قالی بافی در شهر لاہور مجبور به تعطیل کار خود می‌شوند و هزاران کار بردگی خردسال از رنج و مشقت کار بردگی رهانی می‌یابند.

اقبال، اکنون به سخنگوی کار و رنج کودکان کارگر تبدیل شده است. در نوامبر ۱۹۹۴، به سوئی و آمریکا دعوت می‌شود تا از شرایط کار بردگان کوچک، و امیدها و آرزوهای آنان، سخن بگوید. در مصاحبهای با کانال اول تلویزیون سوئی، درباره مبارزه خود علیه سرمایه داران و خطرات ناشی از آن، می‌گوید: "این من نیستم که از آنها می‌ترسم. آنها هستند که از من وحشت دارند. چرا که من به افسای ماهیت ستگرانه آنها می‌پردازم و علیه بردگی کودکان مبارزه می‌کنم."

اقبال مسیح درست می‌گفت. این، سرمایه‌داران و کارفرمایان بودند که از نقش موثر او در مبارزه علیه بردگی کودکان به وحشت افتاده بودند. اقبال به کاری همت کرده بود و پشت به آن نیروی اجتماعی داشت، که می‌توانست بساط چاپول و استثمار آنها را واژگون کند. پس، فرمان به قتل اقبال دادند.

اقبال مسیح در شانزدهم آوریل ۱۹۹۵، در حالی که در زادگاه خود در روستای "موریتکه" واقع در حومه لاہور، با چند تن از سبستان خود مشغول دوچرخه سواری بود، با شلیک چند گلوله مسدوران سرمایه به قتل رسید. اقبال، دیگر در میان ما نیست. اما، امید او به یک دنیای بهتر، دنیایی که در آن از بردگی کودکان و از رنج و ستم و استثمار اثری نباشد، زنده است. قلب امیدوار اقبال در سینه میلیون‌ها کودک کارگر، در وسعت جهان، می‌طبد و به مبارزه برای الغای کار بردگی کودکان ادامه می‌دهد.

یاد عزیزش گرامی و راهش پر دام!

اجتماعی" در جامعه مربوطه شان تعریف می‌کنند. از همین رو کودک ۸ یا ۹ ساله در بسیاری از این جوامع "کودک" تلقی نمی‌شود و در توجه کار کودکان هم بد تلقی نمی‌شود. معقوله کار کودکان نیز بهمین ترتیب تعریف می‌شود و تنها کارهایی "بد" تلقی می‌شوند که کودک را طبق سیستم بردگی قرض به کار بکشند. کار کودکان ۸ و ۹ ساله طبق تعریف اینها نه تنها بد نیست بلکه بخشی از پروسه رشد اجتماعی است که کودکان را وادار به آموزش فعالیتهای تولیدی برای آموزش زندگی و مهارت‌های لازم برای "بقا" می‌کند.

### نتیجه گیری

کار کودکان بعنوان یکی از محصولات نظام سرمایه داری، مهر رقابت جناحهای مختلف سرمایه داری را در جهت سودآوری بیشتر بر چهار خود دارد. سالهای است که بورژوازی در آسیا بیویزه هنگفتی از کار کودکان در رشته‌های مختلف بورژوازه صنایع لباس و الکترونیک به جیب میزند و از جمله با اقبال



تظاهرات کودکان کارگر علیه کار کودکان در دهلی نو - نوامبر ۱۹۹۰

## کار کودکان در آمریکای لاتین

بر اساس گزارش کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین و کارائیب و شورای کار کودکان سازمان ملل میان ۱۶ تا ۱۸ میلیون کودک در کشورهای آمریکای لاتین برای تهیه لقمه نانی به کار اشتغال دارند. از آنجا که کار کودکان ثبت نمی‌شود، رقم واقعی می‌تواند بسیار بیشتر از این باشد. طبق گزارش فوق حدود یک پنجم کودکان در این کشورها به حال خود گذاشته شده اند. بجزیل بالاترین رقم کار کودکان را دارد. در این کشور ۳۲ درصد از کودکان به کار اشتغال دارند.

### رقابت جناحهای بورژوازی

کار کودکان بعنوان یکی از محصولات نظام سرمایه داری، مهر رقابت جناحهای مختلف سرمایه داری را در جهت سودآوری بیشتر بر چهار خود دارد. سالهای است که بورژوازی در آسیا بیویزه هنگفتی از کار کودکان در رشته‌های مختلف بورژوازه صنایع لباس و الکترونیک به جیب میزند و از جمله با اقبال

تلویزیونی آمریکایی نظری ABC، CBS که در مالکیت شرکت‌های بزرگ چند ملیتی و کارتل‌های عظیم هستند و صبح و شب به کنترل اذهان مردم و سرکوب هر نوع تبیلات انتقادی آنان می‌گذرد. آرزوی بزرگ و "البور تویست" با عمق ترین احساسات انسانی اش توصیف کرد، و از زمانی که فردیک انگلیس از رهبران بزرگ مارکسیسم و طبقه کارگر، وضع کودکان کارگر را در زمان انقلاب صنعتی و رشد و گسترش سرمایه داری در اروپا در اثر جاوده‌نشی "وضع طبقه کارگر انگلستان" به رشتۀ تحریر در آورد، یک قرن و نیم می‌گذرد. بدون شک آرزوی یک دنیای بهتر و یک زندگی انسانی تر برای کودکان و نسلهای آینده، محرك این دو انسان بزرگ در افشاری بردگی کودکان و توضیح عمل آن بود و شاید هیچکس از آنان تصور نمی‌کرد که پس از گذشت یک قرن و نیم، تصاویر بردگی و فقر کودکان همچنان زنده بمانند. پس از گذشت یک قرن و نیم هنوز بسیاری از کودکان در کارگاه‌ها و فابریکهای متعفن، تاریک و ندار با دستهای کوچکشان برای سرمایه داران سود می‌آفینند و تصاویر کنونی تفاوتی با گذشته ندارند.

کار کودکان بعنوان یک واقعیت شرم آور در جهان امروز همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. از بردگی آشکار در شکل بردگی قرض تا کار در قالبیانی‌ها، آجرینی‌ها و معادن سنگ و شیشه و مزارع، تا کار در فابریکهای تولید لباس و صنایع الکترونیک در کشورهایی در حال توسعه و صنعتی شده، کار کودکان یکی از ارکان سودآوری برای سرمایه است. ۲۰۰ میلیون کودک در سراسر جهان کار می‌کنند و البته بدلیل اینکه جمع آوری سیستماتیک آمار و اطلاعات در مورد کودکان دشوار است، برآورد می‌شود که آمار کار کودکان از این هم بیشتر است. ۸۰ میلیون کودک در سینم ۱۰ تا ۱۴ سالگی در سال ۱۹۹۱ چنان به کار کشیده شده بودند که رشد جسمی و روحی شان کاملاً مختلف شده است. ۱۰ میلیون کودک تحت سیستم بردگی قرض در آسیا استثمار می‌شوند. در آسیا کودکان ۱۱ درصد تیروی کار را تشکیل می‌دهند. در آفریقا ۲۰ درصد کودکان ناچارند کار کنند. ۲۶ درصد کودکان در کشورهای آمریکای لاتین کار می‌کنند. در بزرگ تعداد کودکان کارگر ۷ میلیون نفر است. آسیا بورژوازی جنوب و جنوب شرقی آن، بالاترین میزان کار کودکان را داراست.

### بورژوازی غرب و افسای کار کودکان

### جناح رقیب و تعریف "کودک" و "کار" کودکان

جناح رقیب یعنی بورژوازی در این کشورها هم البته به این سادگی میدان را خالی نمی‌کند و تبلیغات سرمایه داران غربی در مورد کار کودکان را وسیله‌ای برای حفظ تجارت و صنعت کشورهای غربی و مقابله با صنعت و تجارت سرمایه داران آسیایی و غربی می‌بینند. علاوه بر این دولتهای این بایه‌های قدرت سیاسی و اقتصادی اش را در قرن نوزدهم برخون و عرق و رمک کودکان کارگر در این کشورهای اروپایی استوار کرد، چیست؟ که کودک را نه بر اساس سن و سال به بر اساس "فکتورهای فرهنگی و

کمونیستها در راس کمپینهای اجتماعی مختلف همراه کار کودکان را افسای و علل آن را توضیح داده اند. افکار عمومی متفرق و گرایشات پیشو و انسان دوست نیز در مقاطع مختلف غرب کار کودکان کمپین کرده اند. اخیراً بورژوازی غرب هم به کمپین علیه کار کودکان پیوسته است. بیش از یک سال است که از جانب محافل مختلف بورژوازی، از زبان کانالهای

### اعظم کم گویان

### مقدمه

از اولین دهه های قرن نوزدهم، از هنگامی که چارلز دیکنز نویسنده بزرگ انگلیسی، وضعیت فقر و بردگی کودکان را در آثار معروف خود، داستان "دو شهر، آرزوی بزرگ" و "البور تویست" با عمق ترین احساسات انسانی اش توصیف کرد، و از زمانی که فردیک

انگلیس از رهبران بزرگ مارکسیسم و طبقه کارگر، وضع کودکان کارگر را در زمان انقلاب صنعتی و رشد و گسترش سرمایه داری در اروپا در اثر جاوده‌نشی "وضع طبقه کارگر انگلستان" به رشتۀ تحریر در آورد، یک قرن و نیم می‌گذرد. بدون شک آرزوی یک دنیای بهتر و یک زندگی انسانی تر برای کودکان و نسلهای آینده، محرك این دو انسان بزرگ در افشاری بردگی کودکان و توضیح عمل آن بود و شاید هیچکس از آنان تصور نمی‌کرد که پس از گذشت یک قرن و نیم، تصاویر بردگی و فقر کودکان همچنان زنده بمانند. پس از گذشت یک قرن و نیم هنوز بسیاری از کودکان در کارگاه‌ها و فابریکهای متعفن، تاریک و ندار با دستهای کوچکشان برای سرمایه داران سود می‌آفینند و تصاویر کنونی تفاوتی با گذشته ندارند.

کار کودکان بعنوان یک واقعیت شرم آور در جهان امروز همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. از بردگی آشکار در شکل بردگی قرض تا کار در قالبیانی‌ها، آجرینی‌ها و معادن سنگ و شیشه و مزارع، تا کار در فابریکهای تولید لباس و صنایع الکترونیک در کشورهایی در حال توسعه و صنعتی شده، کار کودکان یکی از ارکان سودآوری برای سرمایه است.

۲۰۰ میلیون کودک در سراسر جهان کار می‌کنند و البته بدلیل اینکه جمع آوری سیستماتیک آمار و اطلاعات در مورد کودکان دشوار است، برآورد می‌شود که آمار کار کودکان از این هم بیشتر است. ۸۰ میلیون کودک در سینم ۱۰ تا ۱۴ سالگی در سال ۱۹۹۱ چنان به کار کشیده شده بودند که رشد جسمی و روحی شان کاملاً مختلف شده است. ۱۰ میلیون کودک تحت سیستم بردگی قرض در آسیا استثمار می‌شوند. در آسیا کودکان ۱۱ درصد تیروی کار را تشکیل می‌دهند. در آفریقا ۲۰ درصد کودکان ناچارند کار کنند. ۲۶ درصد کودکان در کشورهای آمریکای لاتین کار می‌کنند. در بزرگ تعداد کودکان کارگر ۷ میلیون نفر است. آسیا بورژوازی جنوب و جنوب شرقی آن، بالاترین میزان کار کودکان را داراست.

روزنامه‌های دست راست و ضد کارگر دولتهای راست و ضد کارگر در قرن در کشورهای اروپایی و آسیایی شمالی که همکنون کوچک در این کشورها هستند. "بورژوازی غرب" نمی‌تواند از کارگران بزرگ شده شده بودند. از آنجا که خود در استثمار این کارگران با محدودیتها و موانع غربی از پوشین لباسهای جین و مصرف کالاهایی که به این کشورهای کارگران محدود کنند و گرنه این بورژوازی غربی می‌شوند. در آسیا کودکان ۱۱ درصد تیروی کار را تشکیل می‌دهند. در آفریقا ۲۰ درصد کودکان ناچارند کار کنند. ۲۶ درصد کودکان در کشورهای آمریکای لاتین کار می‌کنند. در بزرگ تعداد کودکان کارگر ۷ میلیون نفر است. آسیا بورژوازی جنوب و جنوب شرقی آن، بالاترین میزان کار کودکان را داراست.

### بورژوازی غرب و افسای کار کودکان



## استراتژی آتی بوای چپ

متنی برای بحث در مورد نتایج کنفرانس ویژه حزب کارگر، ۲۹ آوریل ۹۵ و کنفرانس سالانه حزب کارگر، اکتبر ۱۹۹۵

آرتو راسکارگیل ۴ نوامبر ۱۹۹۵

حزب در موارد فوق کجا ایستاده است؟  
نمی‌کند که بیکاری را یک شبه میتوان حل کرد، یک اخخار آشکار که تعت دولت حزب کارگر بیکاری همچنان پا بر جا خواهد بود.  
اما حزب کارگر می‌تواند یک شبه در قبال مالکیت اشتراکی، بلکه سیاست خود را در مورد مالکیت عمومی و خصوصی کردن هم کنار - اگر چهار روز کار در هفتة بدون

### خصوصی گودن

حزب کارگر نه تنها تعهد خود را در قبال مالکیت اشتراکی، بلکه سیاست خود را در مورد مالکیت عمومی و خصوصی کردن هم کنار



کسر دستمزد، منع اضافه کاری غیر ضروری و سیاست بازنیستگی داوطلبانه در سن ۵۵ سالگی با حفظ حقوق کامل را که برای بازسازی بریتانیا ضروری است و مورد تکفیر بخش خصوصی و سرمایه داری است به مورد اجرا بگذارد.

صرف ۱۰ هزار پوند در سال برای بیکار نگهداری کارگر دیوانگی است. در حالی که با صرف نصف همین مبلغ می‌توان بیکاری را از بین برد.

### حقوق بازنیستگی

حزب کارگر هم اکنون از اصل پایه ای بیمه بازنیستگی "همکاری" فاصله گرفته است و در حال بررسی راههای است که مردم درآمد منابع عمومی و خصوصی را "رویهم" ببریزند. به عبارت دیگر کارگران مجبور خواهند شد که جهت تضمین بیمه بازنیستگی "همکاری" که می‌تواند کنند و تازه مقدار این (بیمه بازنیستگی) نامعلوم خواهد بود.

### بیمه درمانی

تعهد حزب کارگر به "ایجاد مراکز عالی منطقه ای" و حفظ آزادی منفعت" مراکز نیمه خصوصی شده (مراکز درمانی که مسئول بودجه خودشان هستند و مختارند درآمد خود را هر طور که خواستند خرج کنند) نمونه هایی از تاروشنی سیاست حزب کارگر در قبال بازسازی و ابغا سیستم بیمه درمان همکاری است. بریتانیا کمتر از دیگر کشورهای پیشرفتنه بودجه صرف بهداشت و درمان میکند، حزب کارگر که دفاع از سیستم بیمه درمان همکاری را جدی بگیرد، منابع لازم را جهت تأمین درمان برای همکار از کهواره تا گور تخصیص خواهد داد.

گذاشته است. برای نمونه حزب اعلام داشته که صنایع خصوصی شده را دویاره ملی نخواهد کرد و فقط سود "زیاده از حد" این بخش از صنایع را جهت پیشبرده طرح ایجاد اشتغال و آموزش مورد استفاده قرار خواهد داد.

این بین معنی است که حزب کارگر قصد دارد صنایع کلیدی شامل خدمات (منظور صنایع آب، برق، کاز، تلفن) را در دست بخش خصوصی باقی بگذارد. یک حزب متعهد به سیاست اشتراکی خواهد خواست که اشتراکی مصارفه خواهد خواست که حزب کارگر آب، برق، کاز، ذغال سنگ، تلفن و تمام صنایع عمومی و خدمات (شامل راه آهن) را که شده اند، دویاره ملی کند.

### حدائق دستمزده و سمعی

حزب کارگر در ضمن اعلام تعهد به اجرای طرح حدائق دستمزد رسمی، از توافق بر سر یک فرمول و یا اعلام یک مبلغ معین خودداری کرد. مهمتر از این حزب قبول کرده است که حدائق دستمزد رسی تهبا با مشاورت با "شرکای اجتماعی" منجمله کنفرانسیون صنایع بریتانیا (تشکل صاحبان صنایع) و انتستیتوی مدیران عامل اعلام خواهد شد. به عبارت دیگر، حدائق دستمزد رسمی تنها در سطحی که برای دشمنان طبقاتیمان قابل قبول باشد تعیین خواهد شد.

در جریان کنفرانس ماه سپتامبر تی. یو. سی به رهبران اتحادیه ها فشار آوردند تا این طرح "مشارکت" اجتماعی و یا سیاست "تعیین دو جانبی" را پذیرند.

### پیکارو

حزب کارگر همیشه پیرو سیاست اشتغال کامل بوده است - اما حزب

کنفرانس امسال حزب از تمام آن کسانی دیدیم که آنقدر بزای برکناری دولت محافظه کار مستاصل اند که حاضر های انتخاباتی حزب کارگر هر پیشنهادی که تونی بلیر و رهبری کنترل داشته باشند و باین ترتیب تضمین کنند که حزب عامل تغییر سوسیالیستی شود.

بعای آن دیدیم که رهبری فعلی حزب بطوری سیستماتیک تعهد حزب به سوسیالیسم را ملغی کرد - پرسه ای که در آن اهل فن صرافی بر دیسیسه های رهبری رنگ و جلای مورد خوش آیند رسانه ها را زد.

افتضاحی که بر بند ۴ زده شد نمونه روشنی از این نکته است.

بعضی از ما قبل از کنفرانس سالانه ۱۹۹۴ حزب کارگر مکررا هشدار داده بودیم که رهبری قصد دارد آنچه که گایتسکل در انجامش ۳۰ سال پیش شکست خوده بود را انجام دهد و کوشش می کند که از شر بند ۴ خلاص شود.

### آیا حزب کارگر سوسیالیست است؟

برای پاسخ به این سوال لازم است که سیاستهای حزب را همراه با تغییرات اساسنامه ای که بطوری سیستماتیک در عرض ۴ سال اخیر انجام پذیرفته، شامل یک عضو یک رای، تقلیل رای بلوکه اتحادیه ها و حالا رها کردن بند ۴ و معرفی آئین نامه و اساسنامه جدید که سرمایه داری را در آغاز می کرد که در سخنرانی رهبری، تونی بلیر در کنفرانس سالانه سال گذشته اعلام داشت که قصد دارد حزب کارگر را از تعهد پایه ای به مالکیت اشتراکی خلاص کند.

این موردی بود که یک رهبر حزب و قیحانه برخلاف اساسنامه عمل میکرد - تخلفی که قبله باعث اخراج تعداد زیادی از اعضای خوب حزب شده بود. اما بسیاری از رهبران پایه ای که کنفرانس حزب در طول سالهای طولانی تعیین کرده است تا جای گرفته نشد.

این موردی بود که یک رهبر حزب و قیحانه برخلاف اساسنامه عمل میکرد - تخلفی که قبله باعث اخراج تعداد زیادی از اعضای خوب حزب شده بود. اما بسیاری از رهبران پایه ای که کنفرانس حزب در طول سالهای طولانی تعیین کرده است تغییر داده است. منجمله خصوصی کردن، حدائق دستمزد رسمی، پیکاری، بازنیستگی، بیمه درمان، آموزش و پرورش، اروپا، خلغ سلاح انتی، عکس العملی است. که ما در

سالهای است که چپ درون حزب کارگر عموماً قبول کرده است که با آنکه حزب بعضی اوقات ممکن است سیاستهای دست راستی اتخاذ کند اما همیشه امکان مبارزه جهت معکوس کردن آن سیاستها وجود داشته است - چرا که اساسنامه حزب متعهد میکند.

بعد از حزب به اصطلاح "با ترکیب متنوع" تبدیل شد. به این دلیل که "نیکردانان وقت خواهان شمول انتخاباتی به حزب بودند که به یک تغییر پایه ای در ماهیت جامعه متعهد نبودند. طرح اصطلاح "حزب جناح راست بود و نه چپ.

این نو گردانان مستول اخراج حزب کمونیست از جرگه سازمان های وابسته، و معرف تحریم کردن ها و توقیف کردن ها بودند که در سالهای ۳۰ و بعدها در طی دوره جنگ سرد سالهای ۵۰ غالباً بود.

جناح راست حزب همیشه بدنیال نابودی رای بلوکه اتحادیه ها بوده است. و ما با تأسف بسیار شاهد بودیم که بسیاری از اعضای چپ با اشتیاق به دفاع از این هدف برخاستند، با این باور اشتباه که حزب خواهند توانست بر کنفرانس حزب کنترل داشته باشند و باین ترتیب تضمین کنند که حزب عامل تغییر سوسیالیستی شود.

بجای آن دیدیم که رهبری فعلی حزب بطوری سیستماتیک تعهد حزب به سوسیالیسم را ملغی کرد - پرسه ای که در آن اهل فن صرافی بر دیسیسه های رهبری رنگ و جلای مورد خوش آیند رسانه ها را زد.

افتضاحی که بر بند ۴ زده شد نمونه روشنی از این نکته است. بعضی از ما قبل از کنفرانس سالانه ۱۹۹۴ حزب کارگر مکررا هشدار داده بودیم که رهبری قصد دارد آنچه که گایتسکل در انجامش ۳۰ سال پیش شکست خوده بود را انجام دهد و کوشش می کند که از این نکته نکته در مجلس عوام باشد.

حزب کارگر در زمان تشکیل دارای اساسنامه و سیاستهایی بود که فلسفه، سیاست و برنامه سوسیالیستی را مطرح می کردند. حزب پارلمانی بود که بیان کننده همه در این توافق دارند که حزب کارگر از جنبش اتحادیه ای و گروههای گوناگون سوسیالیستی شد و هدف از آن درست کردن یک سوسیالیستی کارگر، کمیته نمایندگی کارگر و یا حزب وجود داشتند.

همه در این توافق دارند که حزب کارگر از جنبش اتحادیه ای و گروههای گوناگون سوسیالیستی شدند. بیان کننده یک دستور عمل سیاسی سوسیالیستی در مجلس عوام باشد.

حزب کارگر در این توافق دارای اساسنامه و سیاستهایی بود که فلسفه، سیاست و برنامه سوسیالیستی را مطرح می کردند. سازمان های وابسته به حزب شامل حزب کمونیست، حزب کوپراتیور، انجمن های گوناگون سوسیالیستی و اتحادیه ها بودند که اعضا ایشان اوتوماتیک عضو حزب محسوب می شدند. برای نمونه، به جلساتی که کاندیداهای پارلمان و دولت محلی حزب را تعیین می کرد، اتحادیه ها اجازه داشتند تعداد قابل ملاحظه ای نماینده بفرستند. حتی اگر آنها شخصاً عضو حزب نبودند، به این پرسه ای که به اتحادیه های وابسته به حزب تعلق داشتند، بعنوان عضو موردن قبول واقع میشدند.

حزب تازه تشکیل شده کارگر روشن کرد که هدفش نابودی سرمایه داری و برقراری یک جامعه سوسیالیستی باشد. هدفی که بسیاری از اتحادیه ها در آئینه های هایشان گنجانده بودند.

حزب همچنین به اصل نمایندگی به نسبت آراء قاطعه نمایندگی به این دلیل که به سیاست موردن توافق همه باور داشت، بلکه باین دلیل که نمایندگی به نسبت آراء بشکل واقعی یک مستبله طبقاتی است. این حائز اهمیت است که این خواست اساسنامه ای توسط "زمزی مک دونالد" و آن دیگر رهبران حزب لغو شد که نه تنها مدافعان سیستم (انتخاب نفر اول) بودند، بلکه مدافعان سرمایه داری بودند.

# کارگر امروز

که علیه معادن رویاز مبارزه کردند، نمایندگی میشود.

اینها اکنون صدای اعتراض و عمل مستقیم هستند، که بما یادآور میشوند که تنها از طریق عمل مستقیم، منجمله اعتراضات کارگری، و سریچی از قوانین ناعادلانه میتوان بطور واقعی پیشرفت کرد؛ در حالیکه حزب کارگر محضن و هیراشه اتحادیه از شهر وندان تقاضا میکند که این قوانین را پذیرند و به آنها تسلیم شوند.

فعالین محیط زیست و محلات کارشان را خوب انجام میدهند، ولی ناجارا آنها "تک هدفی" هستند و دارای هیچ چشم انداز سیاسی روشی نیستند. این یک تراژدی است که حزب کارگر مرکز هماهنگ کننده و سازمان دهنده چنین کمپین هایی نیست.

یک حزب کار سوسیالیست قادر است اپوزیسیون توده ای را در

یک حزب کار سوسیالیست باشد.

اساستنامه ساده سوسیالیست نیاز دارد و ساختاری که برای مبارزه با دشمنان طبقاتیمان طراحی شده باشد.

این ساختار به دعواهای داخلی و مجادلات سکتاریستی پایان میدهد.

اگر یک حزب کار سوسیالیست قرار است تشکیل شود، باید بر مبنای

اشتراکی در اساسنامه حزب به کار گرفته شود.

## معرض سوسیالیستها

امروز ما یک حزب کارگر تطبییر شده داریم که تونی بلیر اعتراف کرده است باید آنرا سوسیال دمکرات خواند.

سوسیالیستها در مقابل این وضعیت باید تصمیم بگیرند که چکار بکنند.

ایما رام حزب کارگر جدید را گذاری چنین خوبی متعهد هستند

باشد به آن دعوت شوند، با این

هدف که اساسنامه و ساختار یک

حزب سوسیالیست کارگری را فرموله کنند.

۱ - یک کنفرانس تشکیل یک "کنفرانس بخت" ویژه که کلیه کسانی که به پایه گذاری چنین خوبی متعهد هستند باید به آن دعوت شوند، با این

هدف که اساسنامه و ساختار یک حزب سوسیالیست کارگری را فرموله کنند.

۲ - یک کنفرانس افتتاحیه که ترجیحاً در اول ماه مه ۱۹۹۶ تشکیل گردد؛ به این خاطر که اول ماه مه در میان جنبش کارگری بین المللی از اهمیت بسیاری بخوددار است.

۳ - حزب جدید و اساسنامه آن باید تضمین کند که اعضاء و سازمان

های وابسته به آن از طریق کمیته اجرایی سراسری حزب را کنترل کنند. دیگر هیچگاه ما نباید با چنین

موقعیتی مواجه شویم که نمایندگان حزب در پارلمان کنترل حزب را بدست بگیرند.

۴ - اگر یک حزب کار سوسیالیست تشکیل شد باید خود را به مبارزه برای تمام کرسی های پارلمانی متعهد کند؛ بر این مبنای که پارلمان یکی از عنانصر دمکراسی است،

ارکانی است که در آن فلسفه سیاسی و مسائل طبقه ما باید بیان گردد.

## محافی که در مقابل همه ما قرار دارد

در این شرایط ما وقت زیادی نداریم، بزودی یک حزب کار سوسیالیست بوجود خواهد آمد.

امروز، اپوزیسیون رادیکال در بریتانیا نه توسط جنبش کارگری و اتحادیه بارنزی در سال ۱۸۹۷ بوسیله معدنجیانی که معتقد بودند که نماینده حزب کارگر شناس حزب لیبرال را در رسیدن به قدرت کم می کنند هو و سنگ باران شد.

تا سال ۱۹۱۰ تعداد زیادی در جنبش اتحادیه ای و کارگری بر این باور بودند که جنبش مزبور باید از حزب لیبرال پشتیبانی کند و اینکه اتحادیه ها نباید بطور مستقیم در

سیاست دخالت کنند.

امروز سوسیالیست ها در حزب کارگر و آنها که در سازمان های

وابسته فعل هستند با همان معضلی روی بینند که پیشینیان ما که از

حزب لیبرال بریدند. اگر تاریخ دوباره تکرار شود کسی نمتواند واقعاً

متوجه شود.

ایما میتوانیم درون چنین خوبی به اینکه فعل باشیم؟

## سوسیالیست ها و آینده

من معتقدم که اکنون زمینه برای تشکیل حزب کار سوسیالیست بسیار قوی است. اما اگر چنین خوبی قرار است تشکیل شود باید بر مبنای درک طبقاتی، تعهد به مالکیت

حقوق بشر برسمیت

شناخته شده است، با

این وجود اعلام کرده

است که اگر به حکومت

برسید کلیه این قوانین

و حشیانه را که در ۱۹

سال گذشته در جهت

افزایش بیکاری و تشییت

دستمزد کم مورد

استفاده قرار گرفته اند

را ابقا خواهد کرد. به

عبارت دیگر حزب

کارگر همان سیاستها

محافظه کاران را برای

بی تاثیر و مطیع کردن

اتحادیه ها دنبال خواهد

کرد.

## اساستنامه حزب: بند ۴

با حذف بند چهار اساسنامه، حزب

کارگر تعهد خود را به هدف دسترسی

به مالکیت اشتراکی که بدون آن

آرمانهای عدالت اجتماعی،

دموکراسی اقتصادی و سوسیالیسم

غیر ممکن است زیر پا گذاشت.

ماه گذشته حزب جدید غیر

سوسیالیست کارگر همچنین اضمحلال

آرزوها و امکانات برای فرزندان

طبقه کارگر در طول ۱۶ سال گذشته

را مورد توجه قرار نداده است.

متاسفانه حزب کارگر همچنان از

آموزش خصوصی قشر ممتاز که

یکی از پایه های اصلی جامعه

طبقاتی ما است حمایت میکند.

## آموزش و پرورش

قول های حزب کارگر در زمینه مهد کودک، اندازه کلاسهای

کودکستان و نیازهای دانش آموزان،

دانشجویان و معلمان بدون تعیین

زمان اجرای آنها تو خالی خواهد

بود. حزب کارگر همچنین اضمحلال

کاندیداتوری سوسیالیست درجه اول

لیز دیویس برای شرک در انتخابات

مجلس بنمایش گذاشت.

اما در عرض حزب کارگر هیچ

مشکلی برای در آغاز کشیدن

آن هوارث عضو پارلمان از حزب

محافظه کار نداشت. کسی که به

تمام سیاستها و فلسفه تاچر در

قصایی کردن بهداشت، آموزش و

پرورش، معادن و دیگر صنایع و

خدمات پایه ای رای موافق داده

برد.

## آئین نامه جدید حزب کارگر

آئین نامه و اساسنامه جدید حزب

کارگر را تنها می توان یک فاجعه

کامل نامید که بطرد روز افزون

کمپین در درون حزب را برای

سوسیالیسم - که دیگر بعنوان یک

آرمان اساسنامه ای که باید برای

آن مبارزه کرد محلی از اعراب

ندارد - اگر نه غیر ممکن کند.

پشت مشكل می کند.

آئین نامه جدید به شورای اجرایی

سراسری (در میان تغییرات دیگر)

اختیار اصلاح آئین نامه و اساسنامه

را داده است. شورای اجرایی سراسری

در هر زمان میتواند با فراخوان

کنفرانس های ویژه که در آن تنها

شورای اجرایی سراسری حق ارائه

اصلاحیه دارد اساسنامه و آئین

هر زمان گستاخ شده است.

طرفدار سلاح هسته ای است.

حزب کارگر می بایست برای پایان

ذادن به کلیه سلاحهای هسته ای و

کاهش حداقل ۵۰ درصد از بودجه

نظمی کمپین کند. امکانات وسیعی

که صرف تامین هزینه ماشین مرگ

و تخریب می شود بایستی صرف

بازارسازی صنایع، مسکن عمومی،

بهداشت و پایان بخشیدن به بیکاری

گردد.

## قوانین ضد اتحادیه ای

حزب کارگر هر چند که بخوبی آگاه

است که پیکت کردن، آکسیون

همبستگی و حق اتحادیه در تدوین

و تعیین آئین نامه های داخلی

خود بدون دخالت دولت همگی بر

اساس منشور سازمان ملل جزو

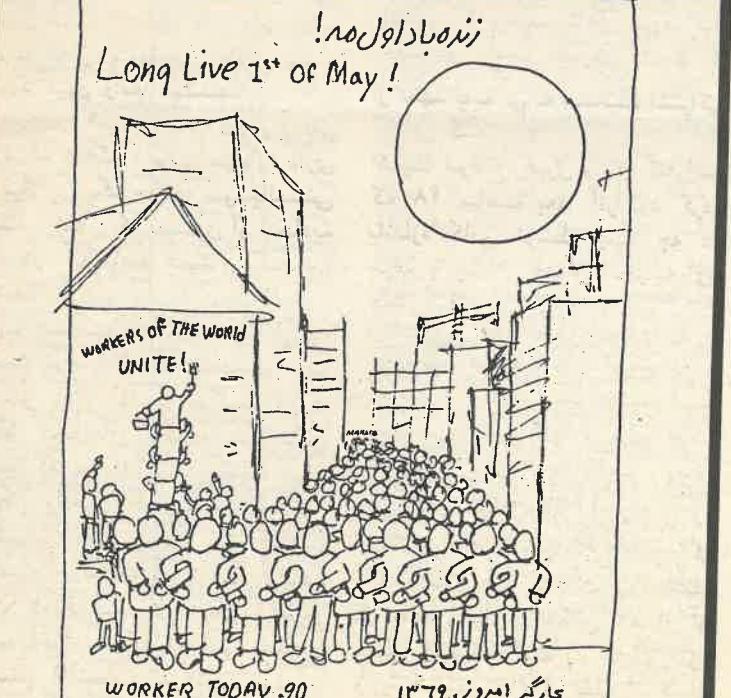


Long Live ۱st Of May!

WORKER TODAY .90

WORKERS OF THE WORLD UNITE!

ZINDAH BAD AYLAR ME!



جزب کارگر که زمانی قاطعانه مخالف بازار مشترک اروپا بود حالا جزو سرخست ترین تیرین مدافعان این سنگ سرمایه بین المللی است و در این راه از محافظه کارها و لیبرال دمکراتها نی





كِتَابُ الْأَمْرَاءِ

و جلوی آنها ایستاد و این نیاز به همبستگی وسیع دارد. در اعتصاب فرانسه میلیونها نفر شرکت کردند، تظاهرات های چند میلیونی برگزار شودند و توانستند تمام کشور را فلنج کنند و این تنها اعتصاب کارگران راه آهن و یا بخش خدمات عمومی بود، بلکه اعتصاب کل جامعه فرانسه بود.

بهین خاطر توانست حمایتها وسیع  
جهانی را بخود جلب کند. چیزی که  
امروزه ما در جهان شاهد آن هستیم  
نه بهتر شدن اوضاع بلکه بدلتر شدن  
هر روز آن است. اعتراض فرانسه  
نشان داد که ما به اعتراض عمومی  
و اجتماعی وسیع نیاز داریم و این آن  
چیزی است که ما در چند سال آینده  
در چهار گوشه جهان شاهد آن خواهیم  
بود. ما باید بدقت به تحریره فرانسه  
نگاه کنیم. هیچ دلیلی نمی بینم که  
اتفاقی که در فرانسه افتخار در کانادا  
نیافتاد. امروزه حتی در اتحادیه ما  
کارگران در جلسات اتحادیه بارها  
خواهان آن شده اند که همان کاری را  
بکنیم که در فرانسه کردند. این تاثیر  
اعتراض فرانسه کارگران است.

قبل از بقدرت رسیدن دولت محافظه کار مایک هریس، سوپریور دمکراتها (آن. پی) قدرت را در این استان در دست داشتند و دلیلیم که چه بلاتی سر کارگران اوردند. آیا فکر نیکنید که زمان آن رسیده که جنبش کارگری بعکس سازماندهی حیندی برای خود باشد و حرب خودش را تشکیل دهد؟

فکر نمیکنم که این راه حل باشد. ما اکنون حزب کارگری داریم و تشکیل حزب دیگری مشکل را حل نخواهد کرد. این خصلت احزاب سوسیال دمکرات است. که در پارلمان باشند ولی قدرت را در دست نداشته باشند. تمام هنر سوسیال دمکراتها این است که در شرایط رونق رفتهایی انجام دهند ولی در شرایط بحران آنها فلک

و ناتوان هستند. و بهمین خاطر است که آنها در اکثر کشورهای اروپا که قدرت داشتند برکنار شلند مانند پرتغال، اسپانیا و فرانسه. بهمین دلیل هر حزب دیگری هم تشکیل شود مجبور است همان راهی را طی کند که "آن". دی. بی. رفت. من معتقدم آنجیزی که ما نیاز داریم یک انقلاب است. چیزی که مردم بتوانند با آن قدرت را در دست بگیرند، یعنی یک انقلاب سوسیالیستی. در یک کلمه یعنی سوسیالیسم از پایین. درست عکس آن

دند، یعنی سوسیالیسم از بالا. و زمان من به آن. دی. پی رای، چرا که کارگران باید در پارلمان نه داشته باشند و کارگران باید خودشان را داشته باشند.

نیا جنگ کا، گئے، دیکھئے، وجود نہیں دیا۔

ایا زمان آن نرسیده که کارگران  
حزب دیگری، حزب انقلابی خودشان  
را بسازند. شما از سوی ایلیم از  
پایین صحبت کردید، از ضرورت  
انقلاب کارگری گفتید، اما کارگران  
برای انقلاب به حزب خودشان، به  
تشکیلات و سازماندهی خاص  
خودشان نیاز دارند و شما میگویند  
چون کارگران هنوز حزب خودشان  
را بنارند پس باید به آن دی.  
پی رای بدنهن.

آل: بارد، هر شعبه ۵۳۲ اتحادیه کارگران بخش خدمات عمومی، انتاریو:

برای شکست دولت هیچ راه دیگری  
بجز اعتراض عمومی وجود ندارد

کارگران اتحادیه خدمات عمومی ایالت انتاریو در کانادا که ۶۵ هزار عضو دارد از روز ۲۶ فوریه و به مدت ۵ هفته در اعتراض به سیاست دولت برای بیکار سازیهای وسیع دست به اعتصاب زدند. اخراج ۱۳ تا ۲۷ هزار کارگر که در دستور دولت محافظه کار قرار دارد بخشی از برنامه ریاضت اقتصادی است که از جمله تاکنون هزینه های اجتماعی را کاهش داده و سویسیدها را قطع کرده است. این اعتصاب هنگامی آغاز شد که دو روز قبل از آن در شهر هامیلتون کارگران به یک راهپیمایی اعتراضی دست زدند که نزدیک به ۱۲۰ هزار نفر در آن شرک کردند.

جهان صابری هسکار کارگر امروز در کانادا درباره مسائل این اعتصاب، خواستها و نتایجش با آن بوارد رهبر شعبه ۵۳۲ اتحادیه کارگران خدمات عمومی گفتگویی انجام داده است که می خوانید.  
این مصاحبه در دو بخش است. بخش اول مصاحبه یک روز قبل از اعتصاب انجام شده و به خواستها و جو اعتراضی در بین کارگران و رابطه اتحادیه با آن. دی. پی. (حزب نیو دمکرات) می پردازد.  
قسمت دوم که سه روز بعد از اعتصاب انجام شده به نتایجش آن می پردازد.

خود گیر کرده است و آخرین چیزی که میخواهد سراغش برود مبارزه مستقیم کارگران است. آنها از مبارزه غیرقانونی میترسند و از جرمیه شدن و زندانی شدن هراس دارند. حتی در اتحادیه ما هم اگر دولت حکم بازگشت به کار را صادر کند رهبری از کارگران خواهد خواست که به سر کارهایشان برگرداند و از قانون اطاعت کنند. ولی میتوانم پوکیم که هزاران نفر از کارگران یا آن مخالفت خواهند کرد. مبارزه با قانون بازگشت به کار در تاریخ جنبش کارگری کانادا بارها اتفاق افتاده است. تجربه چند سال پیش کارگران پست را بخطاطر بیاورید و یا در سال ۱۹۷۲ در استان کبک، در بزرگترین اعتراض عمومی در تاریخ کانادا، کارگران دقیقاً این کار را کردند و علیه این قانون ایستادند. آنها برای هر روز اعتراض یک میلیون دلار جرمیه شنند و برای هر کارگر اعتضابی هزار دلار جرمیه صادر شد، اما چون مقاومت کردند و متحد بودند پیروز شنند و بعد از اعتضاب

تمام جریمه هایشان بخشوده شد.  
نمونه دیگر کارگران بیمارستانها هستند  
که در طول ۵ - ۱۰ سال گذشته  
بارها اعتصاب غیرقانونی کرده اند.  
بازارها به زندان و جریمه های سنگین  
محکوم شده اند اما چون با هم متحد  
بوده اند در پایان اعتصاب تمام  
جریمه هایشان بخشوده شده است. اگر  
ما با قانون بازگشت به کار روپرتو  
شویم باید ایستادگی کنیم. اما ماتساقنه  
اکنون رهبران اتحادیه نمی خواهند چنین  
راهی را برآورد و باید به آنها فشار

همچنان که شاهد بوده اید در طول چند سال اخیر حمله وسیعی از طرف جناح راست بورژوازی علیه دستاوردهای کارگری و استانداردهای زندگی مردم در این جوامع شروع شده است. و اخیرا هم تعبیره مبارزه کارگران فرانسه و عقبنشیستی دولت شیراک را شاهد بودیم. این اعتراض و دستاوردهایش چه تعبیره ای برای شما بعنوان یک فعال اتحادیه ای داشت و بطور کلی جنبش کارگری کانادا از این تعبیره چه درسی گرفته است؟

بله. امروز بحران بزرگی تمام دنیا را فرا گرفته است. امروزه سرمایه داری با تزویل نرخ سود روپور است و بهمین دلیل به دستمزد کارگران و خدمات اجتماعی حمله میکند. اعتراض فرانسه نشان داد که هنوز میشود حملات دولتها راست بورژوازی را بعقب راند

از زیر قولهای شانه خالی کنند.  
اعتراضات ما یعنی ۶۵ هزار کارکنان  
بخش خدمات عمومی که از فردا  
دوشنبه ۲۶ فوریه آغاز می‌شود فرستی  
است که ما ملت‌ها منتظر آن بودیم.  
۶۵ هزار کارگر در تمام نقاط انتاریو  
دست به اعتراض خواهند زد و اکثر  
سرپرسی‌هایی که توسط این کارگران  
اداره می‌شود تعطیل خواهند شد. در  
این‌جهت نزدیک معلمان که چندی پیش  
یک تظاهرات ۴۰ هزار نفری را مقابل  
پارلمان سازمان دادند وارد اعتراض  
خواهند شد و از هم اکنون حمایتشان  
را از اعتراض ما اعلام داشته‌اند.  
این فرصت مناسبی است که رهبران  
کارگری به خواست کارگران گوش دهند  
و به قولهای شان عمل کنند و در  
استان انتاریو فراخوان اعتراض عمومی  
بلهند.

تاکنون حمایتهای خوبی از ما شده است. کارگران فن آمریکا به ما حدود ده میلیون دلار و کارگران ماشین سازی یک میلیون دلار کمک مالی داده اند، مشکل مالی در هر اعتراضی مهم است اما حمایت اصلی که ما احتیاج داریم در صفت اعتضاب است، یعنی در صفت پیکت ها و بهمین دلیل کارگران اتحادیه فن از به ما قول داده اند که امشب با شروع اعتضاب در صفت پیکتها حاضر خواهند شد و

اند و این خود آغاز خوبی برای یک اعتصاب است. البته انتظار ما بسیار بیشتر است. ما از تک اتحادیه ها میخواهیم که از اعتصاب ما حمایت کنند. ما به حمایت وسیعی که در جامعه از ما وجود دارد امید سنته ام.

در مبارزات قانونی جنبش کارگری،  
نه تنها در استان انتاریو، بلکه در  
سراسر کانادا ما با مانعی به نام  
قانون بازگشت به کار مواجه بوده  
ایم، شما در صورت روپرتو شدن با  
این قانون چه می کنید. آیا زمان  
آن نشده است که فدراسیون کارگری  
انتاریو و شرکای کارگری کانادا و  
مشخصاً اتحادیه شما به فکر  
اشکالی از مبارزه غیرقانونی باشد  
و مبارزه با قانون بازگشت به کار  
۱. آغاز کند؟

باید این کار را بگنیم اما متأسفانه رهبری جنبش کارگری در بوروکراسی

است که ما به جلوی صحنه پرتاب شده ایم و احتیاج به همبستگی همگانی و عمومی دیگران داریم، چرا که ما به تنهایی نمی توانیم این کار را به پیش ببریم و احتیاج به همبستگی تک تک اتحادیه ها، کارگران و دیگر مردم داریم. اگر این همبستگی بوجود آید بدون تردید مبارزه و اعتراض ما پیروز خواهد شد و دولت را به عقب خواهد راند.

دیروز شنبه ۲۵ فوریه در هامیلتون شاهد یک تظاهرات ۱۲۰ هزار نفری در مخالفت با سیاستهای دولت بودیم. چهره های جیبی را در این تظاهرات دیدیم که تاکنون در اعتراضات دیگر ظاهر نشده بودند. این خود نشان دهنده پتانسیل عظیم اعتراضی علیه دولت است. اتحادیه ها و جنبش کارگری چگونه میتوانند از این پتانسیل اعتراضی

امروزه جو اعتراضی و همبستگی در جامعه بالا است. محبوبیت دولت مایک هریس که با ۴۸ درصد آراء انتخاب شد امروزه بشدت پایین آمده است. این نشان دهنده خشم و اعتراض مردم نسبت به وضع موجود است. صدها هزار نفر از مردم انتاریو از سیاستهای مایک هریس خشکین و عصبانی هستند و آماده مبارزه اند و در صورت وجود یک رهبری رادیکال علیه دولت فعال خواهند شد. ظاهراتی که ما دیروز در هامیلتون دیدیم تنها یک نمونه از این اعتراض است. ظاهرات هامیلتون و رادیکالیزم موجود در آن خواست رهبران اتحادیه ها نبود، این فشار از پایین بود که رهبران را مجبور کرد تا ظاهرات هامیلتون را سازمان دهند. توده های کارگر میگویند که هرچه کشیدیم بس است و باید دست به اختصار عمومی نزد رهبران اتحادیه ها چاره ای جز تن دادن به خواست عمومی کارگران و فشار از پایین نداشتند چون در غیر اینصورت کارگران این رهبران را کنار میزدند و اوضاع طور دیگری میشد. در یک طرف توده های کارگرند که خواهان و آماده مبارزه اند و در سوی

سازمان دادن کارگران هرآستاند. این رهبران باید از طرف کارگران تحت فشار قرار گیرند تا به خواستهای توده کارگر پاسخ دهند. این رهبران باید به قولهایشان عمل کنند، اگر می‌گویند که ما استان انتاریو را نفع خواهیم کرد، کارگران باید سرویسها را در انتاریو تعطیل کنند تا رهبران توانند

اهداف اعتصاپ کدامند؟

خواست اصلی اعتصاب ما امنیت شغلی است. دولت محافظه‌کار انتاریو هدف اصلی خود را از بین بردن امنیت شغلی، خصوصی کردن خدمات و سرویسهای عمومی و بیکارسازیهای وسیع و در یک جمله هنفش درهم کوبیدن کلیه دستاوردهایی است که جنبش کارگری در چند دهه اخیر بدست آورده است. طوری که اگر برنامهای دولت اجرا شود چهره این استان را کاملاً تغییر خواهد داد.

دولت تبلیغات وسیعی علیه اعتضاب براه انداخته است، مانند این که اگر اعتضاب شود مادران مجرد و کسانی که تحت پوشش تامین اجتماعی هستند، چکایشان را دریافت نخواهد کرد. عکس العمل شما به این تبلیغات چیست؟

دولت با این تبلیغات میخواهد در صفوت مردم تفرقه بیاندازد و بخشی از مردم را در مقابل بخش دیگر قرار دهد. طی چند ماه گذشته این دولت محافظه کار است که پناهگاه های زنانی را که مورد ستم و تعیض قرار گرفته اند را میبیند. این دولت است که بودجه پناهگاه های بی خانمانها را قطع کرده است، امروزه بر اثر سیاست های دولت است که بیشتر از هر زمانی بی خانمانها در خیابانها شب را به صبح میرسانند. بیشتر این مردم اعتقادی به تبلیغات دولت ندارند چرا که خود قربانیان سیاست های آن هستند. حرف من به این دسته از مردم این است که مبارزه ما مبارزه شماست. اگر خداهان حقه، احتیاج بسته،

فکر میکنید که دولت بعد از  
اعتراض چه عکس العملی خواهد  
داشت؟

دولت تصمیم دارد که اعتضاب ما را درهم بشکند و اتحادیه ما را نابود کند و با این کار شرایطی را بوجود آورد که دیگر کسی جرات اعتراض و اعتضاب نداشته باشد. من فکر میکنم اعتضاب ما مرحله تعیین کننده‌ای از مبارزات اجتماعی در مقابل حملات دولت به حقوق و دستاوردهای کارگری و اجتماعی این جامعه است. دولت می‌کوشد هزاران شغل را حذف کند و در مقیاس وسیع دست به پیکارسازی بزند. فقط از اتحادیه ما قرار است ۱۳ تا ۲۷ هزار نفر بیکار شوند. اتحادیه ما ۶۵ هزار عضو دارد و با اخراج ۲۷ هزار نفر شما می‌توانید ابعاد وحشتناک آنرا حلس بزندید. تازه بعد از ما، دولت قرار است به سراغ کارکنان بیمارستانها برود و ۲۰ هزار نفر از آنان را بیکار کند. همچین دولت تصمیم دارد که یک میلیارد دلار از بودجه آموزش و پرورش بکاهد و این برابر است با بیکار ساختن تعداد زیادی از معلمان و افزایش ساعت کار بقیه، پرجمیعت شدن کلاسهای درس، و تازه شهریه کالجها را اخیراً افزایش داده اند. آنها تصمیم دارند که حق آموزش همکانی را بگیرند و آنرا مختص به طبقات بالا کنند. بنابراین مبارزه ما علیه دولت بسیار تعیین کننده و حیاتی است. دولت میخواهد با شکست دادن ما، ما را نابود و تکلیف سایر اقتدار اجتماعی را نیز روشن کند. دولت میداند که اگر موفق شود اعتضاب ما را شکست دهد آسانتر میتواند سایر مبارزات کارگری را عقب براند. در چنین شرایطی

كَلْمَةٌ

این کار را بکنیم.

اینده اتحادیه را چگونه می بینید.  
اواسط این ماه کنگره اتحادیه  
شما برگزار خواهد شد. فکر می کنید  
این کنگره حول چه مسائلی خواهد  
چرخید؟

متساfaceه من هنوز دستور جلسه کنگره را تنبیه ام، اما میدانم که یکی از موضوعات تنبیه اعتصاب شکنان خواهد بود. حداقل ۱۳ هزار از اعضا تعدادیه ما بزودی بیکار خواهند شد و این یک تراژدی برای ما است. اگر رهبران از اول اعتصاب هدف را حفظ یین شغلها گذاشته بودند، مطمئنم اعتصاب ما بر اتاب قویتر و موفق تر خواهد بود. رهبران اتحادیه او آغاز به کارگران قبولانند که بیکارسازیها را بپسندند و فقط بکوشند با مزایای بهتری بیکار شوند. ما مرتكب یک شتباه مخصوص شدیم. اما تا آنجا که به رهبری بر میگردد این یک "اشتباه" کاملاً آگاهانه بود. این یکی از موضوعاتی است که در کنگره طرح خواهد شد. رهبری باید پاسخ دهد که چرا حفظ تمام شغلها هدف اول اعتصاب قرار نگرفت.

شما معتقدید این اعتراض می توانست شغلها را حفظ کند و از بیکارسازیها جلوگیری نماید؟

نه تنها می توانست بلکه باید اینچنین  
می بود. امروزه رهبران جنبش اتحادیه  
ی نه تنها در کانادا بلکه در اکثر  
نقاط دنیا هیچ ربطی به محیط و  
شرایط کار و زندگی کارگران ندارند.  
آنها به حقوق های بالای خود چسبیده  
اند، آنها به حل و فصل بحرانها توجه  
باشند تا به مبارزه کردن با کسانی که  
به دستاوردهای کارگران حمله می کنند  
و آنها را بیکار می سازند. به همین  
دلیل معمولاً علیه مبارزات اعضای  
اتحادیه اند و در مقابل کارگران  
می ایستند.

فوق زیادی را از دست داده ایم.

در روزنامه امروز صبح آمده بود  
که با عقد قرارداد جدید، یسکارسازی  
های آینده برای دولت حلو ۱۶۰  
میلیون دلار هزینه خواهد داشت.  
در صورتیکه دولت با پرداخت  
نگردن حقوق کارگران اعتراضی  
۲۰۰ میلیون دلار پس انداز کرده  
و در نتیجه ۴۰ میلیون دلار سود  
برده است.

ما از ارقام دقیق خبر نداریم. یک اعتصاب فراتر از مسئله پول است. مردم دنیا در طول این اعتصاب شاهد بودند که پلیس انتاریو وحشیانه در صف پیکت و تظاهرات به مردم حمله کرد. این به چهه انتاریو و دولتش خوبی سختی زد. دولت در این مبارزه ضریب سیاستی سختی خود را است اما پیچ شکی نیست که ما می توانستیم بیرونیزیهای بیشتری بدلست آوریم اگر اعتصاب عمومی صورت میگرفت.

ایا فکر میکنید اکنون زمان آن  
رسیله است که اعتصاب عمومی  
در جنبش کارگری مطرح شود؟

ما اکنون بیشتر از هر زمانی به یک اعتضاد عمومی نیاز داریم. در ۱۹ ووریل در شهر "واترلو کپینیر"، بنتبال و شهر لندن و هامیلتون، اعتضابی عمومی برگزار خواهد شد. اما رهبری ورودکرات جنبش کارگری اعتضاد عمومی سراسری نمی خواهد. آنها بیترسند که خود کارگران کنترل اوضاع را در دست بگیرند این برای آنها خطرناک است. اکنون دیگر بستگی به کارگران رادیکال و مبارز دارد که رهبری را تحت فشار بگذارند و مجبور شنند تا فراخوان به اعتضاد عمومی نهند. برای شکست دولت هیچ راه یکری بجز اعتضاد عمومی وجود ندارد. من شخصا نمی خواهم ۴ سال یکر صیر کنم تا این دولت در انتخابات یئنده عوض شود. ما اکنون میتوانیم

میکرد که حدود ۵۵۰۰ نفر از کارگران اعتصاب را شکسته اند و به سر کار برگشته اند.

اما ۵۵ هزار نفر در اعتضاب رکت کردند، یعنی ۹۰ درصد کارگران صفت پیکت احترام گذاشتند. دولت همان بدو اعتضاب جنگ تبلیغاتی میسینی را علیه ما آغاز کرد. دولت یکوشید با تبلیغاتش روحیه کارگران درهم بشکند، ادعا میکرد که این اعتضاب بعثانی نمیرسد و شکست راهد خورد. بعلاوه، تازه اگر رقم ۵۰۰ نفر هم درست باشد در مقابل اعتضاب این چنینی رقم مهمی نبود.

اما زاویه دوم اعتصاب. یک روز بعد از پایان اعتصاب دولت اعلام کرد که در این مبارزه دو طرف، هم دولت و هم اتحادیه، پیروز شده اند. دولت ادعای میکند که پیروز شده است چرا که با وجود حمه اینها ییکارسانزیها ادامه خواهد یافت. اتحادیه هم به یک سری از خواسته های خود رسیده است. گنی کسلمن، رهبر اتحادیه، روزهای اول اعتصاب در تلویزیون گفت مردم انتاریو خواهان رفم در سیستم اجتماعی بودند اما به جای آن یک قصاب از در ظاهر شد. اکنون بعد از پایان اعتصاب قصاب هنوز در آستانه در است و ییکارسانزیها هر آن شروع خواهد شد. در روزنامه امروز، سه روز بعد از اعتصاب، دولت اعلام کرد بزودی برگه های اخراج را برای ۱۳ تا ۲۷ هزار نفر از کارگران خواهد فرستاد.

ا در این مبارزه دستاوردهای کم و پیچیزی بدلست آوردیم. (این را بعداً ضیح خواهم داد) اما اگر در سراسر استان اعتصاب عمومی میکردیم می‌توانستیم دستاوردهای بسیار وسیعتری داشته باشیم. ما بزرگترین اعتصاب تاریخ انتاریو را انجام دادیم. این اعتصاب دقیقاً بعد از دو اعتصاب عمومی در شهرهای لندن و هامیلتون بورت گرفت. اگر فدراسیون کارگری ناریو و رهبران اتحادیه‌ها به یک اعتصاب عمومی فراخوان می‌نداشند من ملا مطمئنم که دهها هزار کارگر بزرگ به این اعتصاب می‌پیوستند و تنها ما خواسته‌های بیشتری بدلست آوریم بلکه می‌توانستیم دولت را

بجزیره زیادی این اتفاق نیفتاد. به دلیل زیادی این اتفاق نیفتاد، به میخواهد. باید بدانید که دولت رفته میخواهد. باید بدانید که دولت بخواهد که ژست پیروز هم بخود میگیرد. آنها تلاش میکنند که روکش لانی برخود پکشند تا مردم متوجه ریشه هایی که در این مدت خورده است نشوند. قبل از اعتراض، هدف دولت نابودی اتحادیه بود. این این اعتراض وسیع از زمان بقدرت سیل ان این دولت بود. دولت من خواست شکست اتحادیه و اعتراض به اتحادیه های کارگری دیگر بگیرد که ر علیه این دولت اعتراض کنید. سرنوشت را خواهید داشت، این اعتراض و اتحادیه را طوری نابود نکنیم که تا ده ها سال سریلنگان کنید. این اتفاق نیفتاد و دولت از این سیاسی مقتضانه شکست خورد. مورد دستاوردهای اعتراض باید مقایسه که ما پیروزی خلی کمی را مقایسه با قرارداد پیشنهادی دولت قبل از اعتراض بست آوردهیم و چنین در مقایسه با قبل از به قدرت رسیدن دولت مایک هارپس ما

شدن، کارگران پتوانند اتحادیه، حقوق

و تجزیی سود و خسارت شد. درین اعتصاب ما می خواستیم که این حقوق را در صورت خصوصی شدن حفظ کنیم و کارگرانی که قرار است بیکار شوند حقوق و مزایای بهتری دریافت کنند. اما قرارداد پیشنهادی دولت قبل از اعتصاب هیچگدام از این حقوق و مزایا را برای کارگرانی که اخراج خواهند شد در بر نمی گرفت.

این اعتضاد را پیش از دو روز  
متفاوت بررسی کرد. یکی تاثیر  
اعتضاد بر کارگران و دوم  
دستاوردهای اعتضاد. چرا که این  
اولین اعتضاد وسیع اتحادیه بود  
و خیلی از کارگران برای اولین بار  
در زندگیشان در اعتضاد شرکت  
میگردند. طی اعتضاد، در صفت  
پیکتها و در تظاهراتها ظرفیت  
عظیمی از رادیکالیزم کارگری زا  
شاهد بودیم و به قول خیلی از این  
کارگران با این اعتضاد گویا  
اتحادیه دوباره متولد شده است.  
همچنین از اعتضاد حمایت  
چشمگیری شد. روزهای اول  
اعتضاد، مبالغه زیادی پول از  
طرف اتحادیه ها و سازمانهای  
کارگری به صنوف اعتضاد کمک  
شد. همچنین حمایت دیگر کارگران  
از این اعتضاد چشیگر بود.  
نظر شما چیست؟

اولا حمایت جنبش کارگری از اعتراض  
هالی بود. در کانادا سنت غلطی به  
نام بخش‌گرایی وجود داشته است. بدین  
جهت کسانی که از این نظر رأی دارند،  
نهایت متعجبی را برای خود دارند.

ما به "ان. دی. پی" هیچ توهی  
نتایم و اگر به آنها رای میدهیم به  
معنی آن نیست که از برنامه های  
آنها حمایت میکنیم. اما به نظر من  
بهتر است که ما در پارلمان سویسیال  
دموکراتها را داشته باشیم تا محافظه  
کارها را. با شما هم موافق هستم،  
برای انقلاب کارگران به حزب انقلابی  
خودشان یعنی حزب کارگری پیاز دارند،  
حزی برا اساس ایده های سویسیالیستی  
از پایین، حزی که مردم با آن بتوانند  
خود را سازمان دهند و برای جامعه  
کاملاتازه ای مبارزه کنند، جامعه  
ای فارغ از سود و فارغ از گرسنگی  
و رنج. ولی فکر میکنم که تا آن  
زمان ما باید به "ان. دی. پی" رای  
بلهیم.

اگر کارگران حالا باید به آن دی پی رای بدھند چون میخواهند که در پارلمان نماینده داشته باشند پس کی زمان دست بکار شلن برای ساختن حزب خودشان میشود. انقلاب یک شبه از آسمان نازل نخواهد شد. از یک جایی باید این کار شروع شود. سوسيال دمکراتها تا قبل از انتخابات خود را نماینده کارگران اعلام میکردند اما بعض اینکه رای کارگران را گرفتند و به قدرت رسیدند، رهبریشان بباب ری اعلام کرد که آنها فقط حزب کارگران نیستند و به همگان تعلق دارند.

باید بخاطر داشته باشیم که سوییال  
دمکراتها تمام حمایتشان را از جنیش  
کارگری گرفتند و اگر حمایت کارگران  
اتحادیه ای نبود آنها امروز وجود  
نداشتند. در مقابل حزب لیبرال و  
محافظه کار از طرف سرمایه دارها و  
کمپانیهای بزرگ حمایت میشوند. آن  
دی. پی تمام حمایت مالیش را از  
اتحادیه ها میگیرد و بلون حمایت  
اتحادیه وجود خارجی تغواه داشت.  
باب ری "جناب راست آن. دی. پی"  
را نمایندگی میکرد. به همین دلیل  
بود که ادعای میکرد که حزب همگان  
است. من در زمان انتخابات به آنها  
رای دادم اما هرگز برای آنها کمپین  
نکردم. چرا که فکر میکنم این هدر  
دادن انژی است. و بهتر است که این  
انژی در راه تشکیل حزبی باشد که  
شما از آن صبحت میکنید. امروزه  
چب در کانادا دارد رشد میکند. نمیشود  
گفت که قدرمند است اما دارد رشد  
میکند. و ما امیلواریم که اینها به  
آن حزب انقلابی مورد نظر شما تبدیل  
شوند. من خودم عضو یکی از این  
گروههای چب یعنی "سوییالیستهای  
انترناسیونال" هستم. و ما امیلواریم  
که در چند سال آینده رشد کنیم تا  
بتوانیم در صحنه سیاسی کانادا وزنه  
ای شویم و بتوانیم نقطه آغاز یک  
حزب انقلابی باشیم.

## مست دوم مصاحبه دو روز بعد از اعتصاب

## هدف اعتصاب چه بودند؟

تصاب ما بدت ۵ هفته  
جامید و هند اصلی آن ا  
رداد جلینی بود که منصفانه  
جه دولت پیشنهاد کرده بود،  
دو لایحه ای که اخیرا در پا  
تصویب رسید دولت میخواهد  
نشینی مشاغل را از ما ب  
آن جانشینی مشاغل این حق  
گرگان میلهد که در صورت خص

# WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Page 16, Vol 7, NO 58, April 1996

صفحه ۱۶، سال هفتم شماره ۵۸، اردیبهشت ۱۳۷۵

جامعه به صدا در آورده‌اند. بدون شک، چنین مبارزه‌ای در حال جهانی شدن است. کسانی که نمی‌خواهند همه این صنایع را بشنوند و یا ببینند، کسانی هستند که خیلی چیزها برای باختن دارند. یک فرصت تاریخی مورد بحث است. برای این که مردم به فراخوان کارگران به خیابان ببریزند، تنها کافی است که یک دیوانه حالت فوق‌العاده اعلام کند.

**منظور قان نخست وزیر است؟**

البته!

آیا این دیوانگی است یا قلاشی برای حفظ منافع طبقات معین و عمیق کردن فاسله‌های طبقاتی؟

به عقیده من، کسانی هستند "ژوپه" را پرورش می‌دهند. ما در طول کمپین که پس از فاجعه "آزادگی خون‌های بانک خون" به راه افتاد، شاهد بودیم که چطور شخصیت‌های سیاسی این سیستم در بروز این فاجعه سهیم بودند.

کسانی که سر گزراهای جامعه را گرفته‌اند و گمان می‌کنند که بر آنها تسلط دارند، می‌گویند که دوره مقولاتی نظری "همبستگی" و "ایده‌های عالی انسانی" به سر زیسته است. در حالی که اعتراضات اخیر کارگران نشان داد که اعتراضات اخیر کارگران نشان داد که جامعه بشری همچنان به سوی اهداف عالی انسانی در حرکت است. پیام کارگران این است که: "ما نمی‌خواهیم آن طور که شما حکم می‌کنید، زندگی کنیم، ما نمی‌خواهیم انسان‌های ضعیف را در تنهائی، در سرنوشت خود، رها کنیم."

دو حالی که بخوبی از روش‌نگران و هنرمندان، اعتراضات کارگران را مورد حمایت قرار داده‌اند، عده‌ای دیگر آن را محکوم کرده‌اند:

مخالفت این عنده برای من قابل هضم بود. آنان با این عمل خود، در واقع، سیاست‌های "ژوپه" را مورد حمایت قرار داده‌اند. به نظر من، "ژوپه" بد بقیه در صفحه ۱۵

## کارگران، شیپورها و طبل‌ها را به صدا در آورده‌اند

در طی دوره اعتراض و اعتضاب شکوهمند کارگران فرانسه، در ماههای پایانی سال ۱۹۹۵، هنرمندان گروه "تناتر روشنایی" پاریس، اخبار مبارزه گسترده کارگران را قبل از آغاز هر نمایش به اطلاع بستند کان آن می‌رسانند. و برای جلب حمایت از مطالبات کارگران تلاش می‌کرددند.

Ariane Mnouchkine بنیان گذاشته است، یکی از چهره‌های سرشناس تناتر فرانسه است. وی به اتفاق چهار تن از هنرمندان خود، در فستیوال تناتر سال گذشته فرانسه، در اعتراض به جنگ‌های ملی و کشتار مردم در بوئنی هرزگوین" و برای افسای دوروثی دولتهای دمکراتی در اروپا، دست به تحصن زده بود.

گروه "تناتر روشنایی" در تظاهرات ۵ دسامبر ۱۹۹۵ کارگران پاریس حضور فعالی داشت. پس از این تظاهرات، روزنامه "لومانیست" فرانسه، مصاحبه‌ای با Ariane Mnouchkine ترتیب داد که توجه شما را به آن جلب می‌کنیم. این مصاحبه را بهرام رحمانی از ترجمه‌تکی آن، مندرج در روزنامه "اورسل"، به زبان فارسی برگردانده است.

**برای همه مردم خوب بوده است؟**

آیا شما چنین احساسی دارید؟

بله، قطعاً! حرکت اخیر، مشت محکمی بود برعدهان کسانی که می‌خواستند دستاورد های اخیر کارگران روش‌نگرانی در تظاهرات‌های جنبش کارگری را در اینجا پس بگیرند. این حرکت نشان داد که ادعاهای نظری این که: "همه چیز تمام شده" و "بیچ کس نمی‌تواند کاری بکند"، ادعاهایی پوج و تو خالی هستند. ما در کنار آنها نقش فعلی را در عهد متفاوتی هستیم. مردم برای رفتن به تناتر مشکل دارند. اما، در این تظاهرات‌ها با رویه‌ای بسیار شاد و زنده شرکت می‌کنند. بنظر، اتفاقات عجیبی در شرف تکوین است. ۲۰ سال پیش، شیپورها و طبل‌ها دست ما بود. کارگران هم نگران بودند. امروز اما، ما نگران هستیم. قضیه برعکس است. کارگران سر حال و جدی هستند و شیپورها و طبل‌ها را نه فقط برای خود، بلکه برای کل

**شرکت شما در تظاهرات کارگران را بهم، متوجه شما می‌نماییم و یکاران و جوانان به چه معنی است؟**

این دو مین برای است که گروه "تناتر روشنایی" در تظاهرات‌های اخیر کارگران شرکت می‌کند. بینظر من بسیار مهم است که در خیابان‌ها نیز در کنار کارگران باشیم. آنها، برخی اوقات به ما می‌گویند که: "تنها کافی نیست که با ما موافق باشید." به این خاطر ضروری است، که ما در کنار آنها نقش فعلی را در عهد بگیریم. اگر ما صحنه تناتر را در سالن نمایش به دست داریم، رهبری این صحنه به دست کارگران است.

کارگران حق دارند انتظار داشته باشند که همه به فراخوان آنها به خیابان ببریزند. چرا که این، تمام انسانیت و دوستی و ارزش‌های اجتماعی است که در معرض خطر قرار گرفته است. مهم است بگوییم که ما هم با کارگران هستیم.

آیا شما می‌توانید بکویید که این حرکت

### نشریه کارگر آموزه و ایگان است

نشریه کارگر امروز برایگان در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد. هزینه اشتراک تنها معادل هزینه پست نشریه، سالانه معادل ۸ مارک آلمان، است. بهای نشریه در کیوسکها و مراکز حرفه‌ای توزیع نیز تنها معادل هزینه توزیع و حق الزحمه فروشند است.

هزینه انتشار کارگر امروز به عده اسپانسورهای نشریه و همچنین کمک‌های مالی خوانندگان است.

#### فرم اشتراک

Name: \_\_\_\_\_  
Address: \_\_\_\_\_  
Postcode: \_\_\_\_\_  
City: \_\_\_\_\_  
Country: \_\_\_\_\_

مالیم نشریه کارگر امروز را مشترک شویم.

#### اشتراک نشریه ساده است

برای اشتراک نشریه تنها کافیست فرم مقابل را پر کنید و همراه هزینه اشتراک به یکی از آدرس‌های کارگر امروز ارسال دارید.

اتحادیه های آزاد بین المللی:

## با کارگران زن چون برده رفتار می‌شود

"بعضی از کشورهای آسیانی مثل تایلند یا مالزی برای جلب سرمایه منعطف کردن هرچه بیشتر کار، کارگران زن را به نزدیکی "شرایطی همانند که در بروشورهای علمی به "فرزی و چاکی" دسته‌های کوچک زنان شرقی و کنفراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد در روز جهانی زن اعلام کرد. گرچه تعداد هر چه بیشتری از زنان به بازار کار رانده شده اند، در عین حال آنها اولین کسانی هستند که از اثرات گزارش تأکید می‌کنند که در مناطق آزاد صادراتی کارفرمایها آشکارا اعلام می‌کنند که زنان جوان و مجرد محکومند به می‌هنده و می‌گویند بخواه آشکاری ازدواج یا بدل از آن بعده دارشدن با شغل آنها ناسازگار است. در بعضی موارد زنان باید قبل از استخدام بطری اجرایی آزمایش بارداری بدهند و از هنوراوس تا چین تا کاستاریکا حاملگی به معنای از دست دادن شغل خواهد بود.

مردان دریافت نمی‌کنند. آنها همچنین اکثریت نیروی کار را در پروسه جهانی شدن اقتصاد کشیدند. آنها در حال توسعه تشکیل می‌کنند. آنها در بخش‌های پیشرفته آنورماتیک، و مناطق آزاد تولید برای صادرات در کشورهای در حال توسعه و امثال‌هم متتحمل رقت انگیز ترین شرایط کار هستند و مورد استثمار و ستم وحشیانه قرار می‌گیرند."

بعضی از پیشین سو، استفاده ها در مناطق صادراتی صورت می‌گیرد که اکنون در بیش از ۵۰ کشور وجود دارند و عملاً در جنوب و جنوب شرقی آسیا و آمریکای مرکزی متصرف هستند. بطور متوسط ۸۰ درصد نیروی کار در مناطق آزاد صادراتی را زنان تشکیل می‌دهند، که اساساً در رشته تلقی می‌کنند و توجه آنها به زنان پارچه بافی، لباس، اسباب بازی و بخش‌های الکترونیک کار می‌کنند. در پاناما ۹۵ درصد کارگران کارخانه های مونتاژ زنان هستند.

### آدرس کمیته های همبستگی کارگری

- \* کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران - هماهنگ کننده: رضا مقدم ICSIW, Box 6278, 102 34 Stockholm, Sweden
- \* کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا - هماهنگ کننده: مجید بهزادی ICISC, P.O. Box 1228, Snt. O Toronto, Ont, M4T 2P4, Canada
- \* کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد - هماهنگ کننده: بهزاد بارخانی ISASK, Box 4082, 128 05 Bagis, Sweden
- \* کمیته همبستگی با کارگران ایران - انگلستان - هماهنگ کننده: امان کنا ILCS, BM Box 1919, London WC1N 3XX, England
- \* کمیته همبستگی کارگران ایران و فنلاند - هماهنگ کننده: علی خبری Kuovikja 2A2, 103 20 Karaa, Finland
- \* کمیته کارگر ایران - آمریکا - هماهنگ کننده: علی جرادی P.O. Box 241412, L.A. C.A 90024, USA
- \* کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش - هماهنگ کننده: مهدی آردی L.A.S, Postfach 570, 1151 Wien, Austria
- \* کمیته همبستگی کارگران ایران و فرانسه - هماهنگ کننده: نادر بکاش CSOI, Mr. Tary, P.R. 38 Bld. Strasbourg, France
- \* کمیته همبستگی کارگران ایران و ترکیه - هماهنگ کننده: رضا شهرستانی Reza, Box 2020, 136 02 Haninge, Sweden Fax: 46 - 8- 53185272
- \* کمیته همبستگی کارگر ایران و آلمان - هماهنگ کننده: بیژن بهزادی Postfach 180 468, 60085 Frankfurt/ M, Germany
- \* کمیته همبستگی کارگران ایران و دانمارک S.K.I, Box 1715, 2300 Copenhagen S, Denmark